

ناوباد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
وبابگاه د اخلیش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۲۲

سرمقاله



فقای کارگر

اراده کنید، بپا خیزید!

«اگر بازوان نیرومند شما اراده کند،
همه چرخها از حرکت باز خواهد ایستاد»

اراین اما بنیاد همه معجزه های ساحه بس

دولتی را در قیافه خود گرفته است .
اکنون قوای سه گانه ، مقتننه ، مجربه ،
وقضائی در اختیار حزب جمهوری اسلامی
قرار گرفته است . ترکیب کا بنه نیز
به بارزترین وجهی بپا نگرسلطه فطمی
حزب بر تمام ارگانه ها و نهاد های
حکومتی است . این موفقیت های سیاسی
حزب از آن جهت حائز اهمیت است که با
حذف لیبرالها از حاکمیت ، شکاف عمیقی
بقیه در صفحه ۱۲

با معرفی کا بنه با هنر ، حزب جمهوری
اسلامی به آخرین اهداف و آرزوهای خود
در زمینه قبضه تمام ارگانه ها و نهاد های
حکومتی جامعه عمل بو تانند . این پروسه
که حاصل مدتها کشمکش میان دو جناح
یورژوازی متوسط ، یعنی لیبرالها و
کلریکالهاست ، برای حزب جمهوری
اسلامی موفقیتی بسیار عظیم محسوب میشود
و نشان میدهد که حزب بطور قطعی رقیب
خود را شکست داده و همه ارگانه های اقتدار

واقعیتی است مسلم و تردیدنا پذیر
که تمام چرخهای صنایع و اساس موجودیت
نمندن گتونی بشری با تکیه با زوان
نیرومند میلیونها کارگر و زحمتکش
سراسر جهان در حرکت است . طبقه کارگر که
تا ریخ بشریت ، رسالت دگرگونیهای
عظیم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی عصر
ما را بردوش آن نهاده است ، تنها نیروئی
است که قادرست در مبارزه سر نوشت ساز
عصر ما بشریت را بسوی پیشرفت و ترقی ،
سوسیالیسم و صلح و دنیائی فارغ از
هرگونه ستم و استعمار رهبری نماید .
طبقه کارگر که در راه بکوریسپردن -
نظام سرما به داری و در مبارزه بی امان
در راه برانداختن آن نظام و بی افکندن
نظام نوین سوسیالیستی چیزی جز
زنجیرهای اسارت خود را از دست نمی دهد ،
تنها نیروئی است که بیخاطر شرایط مادی
زندگی خود ، از تمام تنگ نظریها ،
تزلزلات و نوساناتی که اقسار و طغیانات
دیگر دارا هستند ، می راست و تنها نیروئی
است که قادرست استوار و بولادین چون
کوه در برابر تمام دشواریها ایستادگی
کند و بشریت را از زمین بسنی که بر سر بیست
نظام سرما به داری یعنی نظام استثمار
ستم ، فقر ، جنگ و گریستی در برابر انسانها
قرار داده است نجات دهد . در برابر
بقیه در صفحه ۲

آیت الله خمینی و رویای شاهانه ای بنام ساواک ۳۶ میلیونی

رایا تکرار مکرر جمله " اینها چیزی نیست
و چیزی نشده است " بیو تانندیشکلی کا ملا
عربان مردم را به جاسوسی ، مراقبت از -
همسایه ها و زیر نظر گرفتن اهالی محل
دعوت کرد و وقت احت را به جاسوسی رسانید که
مادران و پدران را به لودادن فرزندان
آنهم بعنوان وظیفه ای شرعی فرا خواند .
بقیه در صفحه ۷

خمینی ، با ردیگر در سخنرانی روز ۱۹
مردا دما خود توده های مردم را به ساواکی
شدن و جاسوسی کردن علیه نیروهای -
انقلابی فرا خواند ، و بر طبق معمول
خواستهای ضد خلقی خود را به لباس فتوای
شرعی و حکم الهی آراست . خمینی که سعی
داشت وحشت خود از نیروهای انقلابی

« ارگان » سازمانی و نقش آن

مبارزات خود را حول ارگان سازمان نشریه « کار » سازمان دهیم

انشعاب با زمانی با لاش یافت اما به
رشد خود ادامه داد و اینک به جایی رسیده
است که میتوان گفت اقسار روسیعی زشوده
ها حداقل با نام آن آشنا باند . و این خود
وظیفه سنگینی را بر عهده ما مینهد ، اما
علاوه بر سرد نشریه کا ر شرایط نوین جامعه ،
وظایف بسویی سر بر عهده آیه نهادهاست .
بقیه در صفحه ۵

از زمانی که نشریه کار متولد شد فراز
و نشیب های بسیاری را از سر گذرانید . اما
خط مشترکی که در سراسر مدت عمر این نشریه
کشیده شده است افزون گشتن روز بروز -
اهمیت و نقش آن در جنبش کمونیستی ،
کارگری و جنبش خلقی ایران است . کار
همراه با رشد زمان رشد کرد ، همراه با -

در این شماره

● خمینی چه گفت ؟ خمینی چه کرد ؟

● ارتجاع فرهنگی توکمازی می کند

● جنبش کارگری

● جنبش جهانی

● شعری از سعید سلطانپور

مؤک بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

رفقای کارگر! اراده کنید، پا خیزید!

بقیه از صفحه ۱

اراده بولادین و عزم آهنین پرولتاریا هیچ نیروی ربا برای مقاومت و هماردی نیست. نخستین سردبیر و مندر کارگران در انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ و پیروزیهای بعدی کارگران در اروپای شرقی، در آسیا و آمریکای لاتین تجربه نشان داد که چگونه پرولتاریا قادر است در راه نجات بشریت، در راه - استقرار سوسیالیسم، در راه جامعه ای تهی از هرگونه استثمار، ستم، بردگی و بندگی و در راه ایجاد جامعه ای برتر از - خوشحالی گام بردارد. اما کارگرانی که امروز قدرت سیاسی را در دست خود گرفته و در حال بنای جامعه نوین هستند پیروزیهای خود را طی مبارزات طولانی و اندوختن تجربیاتی که غالباً "بقیمت" گرایی برای آنها تمام شده است، بدست آورده اند. و امروز در بحبوحه اوضاع - بحرانی جامعه ما پس از نخستین قیامی که کارگران ایران در نوادوش ما - سر افسار و طبقات خلق پشت سرگذاشته اند، وظیفه ای بسیار سنگین و سرنوشت ساز بر دوش کارگران قهرمان ایران قرار دارد.

رژیم جمهوری اسلامی پس از دو سال و اندی حکومت خود را معر اسوی توحش قرون وسطایی سوق داده است. نیروهای مولده جامعه را به قهر اکتانده است. اقتصاد جامعه را بسوی نابودی سوق داده است. فقر، گرسنگی، بیکاری و جنگ را در ابعاد و خشتناک گسترش داده است و در عرض رفاه زحمتکشان جامعه، قطع وابستگی و نامین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی شده ها، جامعه را تبدیل بیک ویرانه همراه با بحرانهای عظیم اجتماعی نموده است. تجربیات کارگران پس از سرنگونی رژیم شاه تا به امروز به آنگاه می رسد که هیچ نیروی و هیچ شخصیتی بحز خود کارگران نمیتواند نجات بخش آنها باشد و نمیتواند بسیار سنگین قهر و بدبختی را از دوش کارگران و زحمتکشان میهن ما بردارد و جامعه را از وابستگی به امپریالیسم و فلالکت موجود نجات بخشد. تمام وعده های دروغین و سالیسی های فریبکارانه همیشه جاگمه از جمله خمینی امروز بر سر کارگان و آگاه روشن شده است. کارگران در تجربه و زندگی روزمره خود در یافته اند که پس از آنهمه وعده های رژیم جمهوری اسلامی، ذره ای از با ستم، استثمار و فقر آنها گاسته نشده است. نظام سرما به داری همچنان با سرجاست کارگران با توسط سرما به داری - جموسی یا توسط دولت بنام بندگی از سرما به داری استنما می شوند. ستمزد واقعی کارگران در برابر افزایش برنام و رفیقتها، گاهتی یافته است. بر تعداد کارگران سیکار میلیونها تن افزوده شده است. با سدازان مزدور - سرمایه، به همراه ایچمن های اسلامی این زواید خونی جمهوری اسلامی، مقارنات - کارگران را در هم می شکنند. در یک کلام پس از آنهمه وعده های مالوسانه رژیم

نه تنها ذره ای از با راستشمار و فقر کارگران گاسته نشده، بلکه شرایط زندگی آنها حتی نسبت به گذشته نیز دشوارتر شده است.

پس از آنهمه قهرمانی و از خود گذشتگی کارگران ایران طی چند سال گذشته، آنها امروز بیسینه می بینند که تمام دست آوردهای مبارزات توده های زحمتکش که بقیمت جان و از خود گذشتگی هزاران زحمتکش بدست آمده است، عرصه تاخت و تا زودسترد رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. رژیم حاکم کمرینا بودی تمام آزادیها و حقوقی بسته است که خلق قهرمان ایران، در مبارزه علیه دیکتاتور رژیم سلطنتی شاه بدست آورد. و بیشترین آسیب از این سلب حقوق و آزادیهای سیاسی و برقراری رژیم ترور و خفقان به طبقه کارگر و آدمیاید. زیرا کارگران بمنظور شکل و آگاهی خود و انجام رسالت دوران سازخوش پیش از همه به آزادیهای سیاسی نیاز دارند. رژیم جمهوری اسلامی مانند هر رژیم سرمایه داری دیگر پیش از همه از شکل و آگاهی کارگران وحشت دارد و از مبارزات آنها بر خود می لرزد. بی جهت نیست که در سرکوبهای وحشیانه اخیر دهها کارگر و روشنفکر انقلابی را که آرمانشان راهائی کارگران و زحمتکشان بود، به جوخه اعدام سیرد. صدها کارگر مرده و پیشرو را از کارخانه ها اخراج و زندان افکنده است. حتی یک زندان جداگانه به کارگران اختصاص داده است. اما از این امریک نتیجه بدست می آید و آن اینست که طبقه کارگر ایران بآن مرحله از رشد و تکامل خود رسیده است که رژیم واقعا " احساس خطر می کند. او بیا دمیاورد مبارزات کارگران قهرمان صنعت نفت را که با اعتصاب یکپارچه خود بوستمن تا هرگ حیاتی رژیم شاه، حکومت سلطنتی را بزانوندر آوردند. رژیم بخاطر میاورد، اعتمادات اقتصادی و سیاسی کارگران صنایع ماشین سازی، نساجی، ذوب آهن، معادن و مینوینها را رگری را که باراراده آنها، تمام چرخها از حرکت باز ایستاد. این چنین است که رژیم جمهوری اسلامی بیشترین احساس خطر را از سوی کارگران و مبارزات سیاسی آنها می کند و بی جهت نیست که کارگران پیشرو، این کارگران آگاه بصاف طبقاتی خود را از کارخانه ها - اخراج و روانه زندان می کند. با این خیال خام که با این اعمال و وحشیانه با ایجا دمحیط رعب و وحشت و برقراری نظام سرکوب و اختناک کارگران را مرعوب سازد و چند روزی دیگر بحیات تنگین اش ادامه دهد. اما غافل است از اینکه خصوصیات طبقاتی کارگران از آنها استا نهائی بولادین و استوارا خسته است که قادرند در برابر ارتجاعی ایستادگی کنند و بوز مرتجعین را بخاک بمالند. کارگران کاست حساب کسی نیست که با اندک تغییر در شرایط از این صف بآن صف فرار کنند. امروز فرسدار بینی صدمه را شاد و فردا آریورش ارتجاع

رغمه برانداش افتد و طرفدار حزب - جمهوری اسلامی و خمینی گردد، طبقه کارگران این توانات کاست کارخانه خرده بورژوازی بدوراست. درمقابل همه مرتجعین، همه استثمارگران و سرمایه داران می ایستد و بدور از هرگونه جوش و خروش های احساسی و پارتیزانی از سرکوبها و ددمنشیهای سرمایه داران و دولت حامی آنها متین و استوار بمبارزه خود ادامه می دهد. تسلیم طلبی و مزدبوی در ذات طبقه کارگر نیست.

کارگران قهرمان میهن ما همواره نشان داده اند که برای حفظ دستاوردهای مبارزات توده ها و اادامه انقلاب ایستادند و اکنون در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با بحران کنونی قادر نیست بحیثیات سنگینش ادا مدهد و با شیوه های سبسته فاشیستی رژیمت را برای سرنگونی سریع - تر خود فراهم میاورد، با دستاورتر و با عزم و اراده آهنین پرولتری بمیدان مبارزه ایستد و در پیشاپیش توده های قهرمان را رگری ندو با تجربه ای که پشت سر گذارده اند، عمیقا آگاه باشند که هیچ نیروی جز طبقه کارگر نه قادر است خلق راهبردی کرده، انقلاب را به پیروزی نهائی برساند، و نه مینواند به خواستهای برحق زحمتکشان جامعه عمل بیونود و جامعه را از فلالکت موجود نجات بخشد.

اکنون در شرایط حاد کنونی بویزه و طبقه ای بسیار سنگین بر دوش رفقای کارگر پیشرو قرار دارد. کارگران پیشرو و طبقه دارند درمقابل سرکوبهای رژیم، شورمبارزانی را علیه هرگونه ستمی در میان رفقای کارگر هم زنجیر خود برانگیزند. آنها را تا پیروزی نهائی مبارزه ای جدی علیه رژیم فراخوانند.

رفقای کارگر پیشرو نباید لحظه ای از متنگل کردن و آگاه نمودن توده های وسیع کارگر غفلت ورزند. باید از کوچک - ترین مسئله ای که پیش می آید و سببای برای افشای رژیم، تشکسل کارگران، آگاهان دادن آنها و ارتقا مبارزه آنها یافت. سرپخت اعلامیه ها و تراکتیهای افشاگرانه، و آگاه هگران صدها بار بیافزاید.

رفقای کارگر پیشرو و طبقه دارند، درمقابل موج اخراج و بازداشت کارگران، مقاومتها را دهها و صدها بار افزایش دهند و توده کارگران را مقاومت و پیشینیانی از رفقای کارگر اخراجی فراخوانند.

رفقای کارگر پیشرو باید درک چشم انداز اوضاع سیاسی جامعه از هم اکنون باید زمینه اعتصابات گسترده و سراسری را فراهم بکنند و با تشکیل صدوفیهای اعتصاب، تشکیل کمیته های مخفی، اعتصاب در هر کارخانه و هر رشته تولیدی، و از طریق ارتباط با کارگران پیشرو در سایر کارخانه ها، خود را برای تسیرد نهائی آماده سازند.

رفقای کارگر پیشرو نباید لحظه ای از مبارزه علیه خشنین به طبقه کارگر مرتدین جناح راست اکثریت و حزب توده که کارگران را به پشتینا نیاز رژیم ضد انقلابی حاکم فرا میخوانند، غفلت کنند. با بدامین تا زنگارانه و خیانت - کارانه، این دشمنان طبقه کارگر را به توده های کارگرنشان داد.

بقیه در صفحه ۱۸

استقلال - کار - مسکن - آزادی

اخباری از راه آهن

روز ۵/۱۴ در قسمت نوبازی بیانی یکی از کارگران ویکی از افراد وابسته به انجمن اسلامی بر سر میز بل سیاسی برخورد لفظی در گرفته که به زود و خورد می انجامد. کارگرفا لانزیه یا سداران - ستقر در راه آهن شکایت کرده و آنها را برای دستگیری کارگرمزبوره محوطه کارخانجات میابند. کارگران از پیش تصمیم میگیرند که در مقابل دستگیری همکار خود دست به مقاومت بزنند. هنگامی که یکی از پاسداران برای دستگیری وی می آید، یکی دیگر از کارگران فالانزیه به پاسدار نزدیک شده و با نشان دادن یکی دیگر از کارگران میگوید "فلانی نمیگذارد ما کارکنیم و طرفدار ما را هدین است". در نتیجه پاسداران دو کارگرمزبور را دستگیر کرده و به کمیته میبرند. کارگران دست به اعتراض زده و تصمیم به مبارزه برای آزادی کارگران در دست میگیرند. تعداد ۹۰ نفر از کارگران با امضای طوماری خواهان آزاد شدن دوستانشان میگرددند. اتحادیومیاروز کارگران به نتیجه انجامیده و روز پنجشنبه کارگران زندانی آزاد میگردند. کارگران به تجربه در میابند که نیروی اتحادیولادین و مبارزه بیکر آنان قادر است جلوی زورگویی و تعرض به حقوق آنان را سد سازد. تجربه مبارزه کارگران قسمت نوبازی به تمام کارگران نشان میدهد که اگر در مقابل اقدامات ارتجاعی و فدموگراتیک هر نیروی ضد انقلابی به مبارزه برخیزند، بی شک قادر به مقابله و پیروزی خواهند بود.

مبارزه متحدان کارگران هفتاد و پنج روزه راه آهن به اولین نتایج خود رسید و آنها "تایت گشتند".

چهارصد نفر کارگران موقت راه آهن تهران از فروردین ماه امسال در مقابل علیزاده مدیر بیت فدکا راه آهن که قصد داشت قرارداد کاری فدکارگری راه آهن را تحمیل نماید به مبارزه ای - یکپارچه بر پا کردند. آنها بی از چند ماه مبارزه با انکال کونا کون و بیکری کارشان در هفت گشته موفق شدند که مدیریت عامل سرما به داری راه عقب نشینی و ادارت نموده و تبدیل به کارگران ثابت شوند. در این مبارزه کارگران رسمی بارها حمایت خویش را از آنان ناحنه بدیده اعصاب اعلام داشته بودند.

هفته گذشته مجمع عمومی شرکت تعاونی مصرف راه آهن برگزار گردید. هیئت مدیره قبلی شرکت تعاونی و مسئولان راه آهن سعی داشتند که بدون در جریان گذاشتن کارگران و بسرعت هیئت مدیره جدید انتخاب شود و شرکت تعاونی مانند سال گذشته به کار خویش ادامه دهند. در اینجانب یکی از اعضای هیئت مدیره میلان سال ۵۹ راه اصلاح اعضا حاضر در جلسه را بدوسریت ارتقا می راسرهم نمود. سپس از مخالفان و موافقان خواسته شد که به صحبت بپردازند. اکثریت تریب به اتفاق کارگران به مخالفت با اعمال شرکت تعاونی پرداخته و به افشان عملگردهای آن پرداختند. آنها از اینکه شرکت در جهت خواسته های آنها کام بر نداشتند و آنها را در جریان امور قرار نداده معترض بودند. یکی از نمایندگان

کارگران پشت بلند کورفت و پس از صحبت های افشاگرانه قطعاً ماه ۴ ماده ای را فراغت نمود که مورد پشتیبانی کارگران قرار گرفت. در قطعاً به مذکور آمده است که: (هیئت مدیره ما "از بخش کارگری باشد. ۲۰ - تمام بازنشستگان باید از شرکت تعاونی اخراج شوند. ۳۰ - توزیع عادلانه کالایا بد صورت گیرد. ۴۰ - ستسه شدن شرکت تعاونی تا انتخاب مجدد هیئت مدیره.

اعضای هیئت مدیره و نماینده علیزاده مدیر عامل مزدور راه آهن، کوشیدند تا مانع بسته شدن شرکت تعاونی گردند اما تمام کارگران، یکپارچه و متحد خواستار بسته شدن تعاونی بمدت ۱۵ تا ۳۰ روز گشتند. تا در این مدت کارگران بتوانند نمایندگان واقعی خود را برای هیئت مدیره و بازرسی شرکت تعاونی انتخاب نمایند. این کار مدیگری از سوی کارگران راه آهن برای احقاقی حقوق خود مبارزه ای است برای تبدیل شرکت تعاونی به حرکت در جهت خواسته ها و نیازهایشان. هر چند که با بد آنها در مفاد قطعاً (مثلاً ماده ۲) وقت بیشتری نیازمند.



جنبش کارگری

وقتش که رسیدنشان خواهیم داد

تهران - ساعت با زده ونیم بود. کارگری که برادرش را اعدام کرده بودند به کارخانه آمد. از او خواستیم جریان را تعریف کند. او هم با کفاری که در دل تمامی کارگران جا میگرفت شروع به صحبت کرد:

من دو برادر در قتلودارم. روز بعد از بمب گذاری یکی از آنها را که ۱۸ سال بیشتر نداشت گرفتند و کمیته بردند. چند روز آنجا بود، بعد او را یک طویل در جاده بهشت زهرا منتقل کردند. و از آنجا نیز او را به اوین بردند. چند روز پیش خواهر برادرم مشغول کوش دادن به راهی بود. با شروع اخبار، برادرم حوصله اش سر میبرد و اظا قرا ترک میکند. خواهرم از اادیومی شود که برادرم را اعدام کرده اند. برادرم اصد میزند و خیر راه او میدهد. او با ناباوری و از زور خشم کشیده بی بخا هرم میزند که برادروغ میگوئی. در همین زمان دکاندار همسایه ما وارد خانه میشود و خبر را تا شید میکند. سپس دوتغری به پیشک قانونی میروند و جد برادرم را تحویل میگیرند. برادرم تعریف میکند که یکی دیگر از اعدام شده ها را آنقدر شکنجه کرده بودند که سیاه شده بود. کارگران پرسیدند آیا برادرت را هم شکنجه کرده بودند. او گفت: بله، روی پشت او آثار شلاق و سوختگی با ندهایک شتاب بود. هم چنین جای فنداق تنگ نیز روی بدنش زیاد بود. در ضمن وقتی جسد را اعدام از دو کوش و بیینی او خون آمده بود.

قیافه تمام کارگران ناراحت و غمگین بود. کارگرمزبور خفنی که بخاطر فرزندانش نمایلات "اکثریتی" داشت دوباره برسد: او را شکنجه هم کرده بودند؟! چه خبر همه کارگران بطرف او برگشت و با تمسخر به او خیره شدند. در جواب گفتیم: بله برایتان که شرح اادم چندچه وضعی داشت. کارگرمز جوانی که خانه اش حواله جوش خزانته ترمینال است گفت: شما غمهای خودم با دم رفت. وقتش که رسیدنشان خواهیم داد. او واقعاً "هم مضم بود. آنرا رخم و تهر در چه بیشتر کارگران پیدا بود.

با شرکت در انتخابات و نوشتن کلمه تحریم بر روی ورقه های رای گیری - مخالفت و مقابل خود را با سیاست انجمن اسلامی اعلام نموده و از این طریق مانع انتخاب کاندیدهای حزبی شدند. زیرا در صورتیکه کارکنان در انتخابات شرکت نمی کردند تنها با رای گیری از چند نفر از وابستگان به انجمن ها - کاندیدهای مورد پسند انجمن به شورا راه می یافتند اما شرکت کارکنان مانع رسیدن تعداد آنها آنها به حدصاب لازم میشد. با آنکه یکی از شرایط کاندیدا شدن نماز خواندن و ... است. در یک قسمت کلیه کارکنان به یکی از دوستان خود که از اقلیت های مذهبی است رای داده (وی کاندید نموده است) و بدین ترتیب مخالف خود را با شرایط کاندیدها نشان دادند.

با آنکه در بعضی قسمت ها تعدادی نماینده انتخاب شده اند اما در مجموع اغلب قسمت ها انتخابات را تحریم نموده و مانع تشکیل شورای فرمایشی شدند. کارگران آگاه صنایع هواپیمائی مسمم ندنا ایجا دشرا بطی دموکراتیک به مبارزه خود ادامه داده و در جوی آزادیه تشکیل شورای انقلابی خویش اقدام نمایند.

تحریم انتخابات فرمایشی شورا مشت محکمی بر دهان مزدوران انجمن اسلامی

بدنبال یورش ددمنشان و جناحیتبار حزب جمهوری اسلامی، به آزادیهای سیاسی و سرکوب نموده ها، فرصت مناسبی بدست انجمن های اسلامی افتاده است تا بتوانند در سایه جو حجت و ترور موجود سیاستهای فدکارگری خویش را در سطح کارخانه ها پیش ببرند. از جمله در صنایع هواپیمائی، انجمن اسلامی از فرصت استفاده نموده و با همدستی شورای فرمایشی کوشی نمودند انتخاباتی فلابی برگزار کرده و شورای فرمایشی به کارکنان شرکت تحمیل نمایند. عکس العمل کارکنان در مقابل این سیاست، تحریم انتخابات شورا بوده است. آنها عملاً اقداماتی در اغلب قسمتها مانع انتخاب نمایندگان فلابی شدند. انجمن اسلامی با تشکیل هیئت نظارت به قسمتهای مختلف شرکت تاروز ۱۵ مرداد هیئت دادنا نمایندگان خود را برای تشکیل مجمع نمایندگان - انتخاب نمایند. در این رابطه کارکنان

تثبیت ماده ۳۳ قانون کار

قانون کار مصوب سال ۱۳۴۹ و ماده ۳۲ آن یکی از یادگارهای ضدکارگری حکومت شاهنشاهی است که این حکومت نیز کمر به تکه‌داری و مرمت (!) آن بسته است. ماده ۳۲ به کارفرما اجازه میدهد به هر دلیلی که از نظری و ما موران وزارت کار موجه است (و در صد درصد موافق رأیین دلایل موجه بوده اند!) کارگران را از کار برگزیند. این ماده، همچون کل قانون کار مذکور همواره، چه در رژیم قبل و چه در رژیم حاضر، همچون حربه‌ای علیه کارگران و بخصوص کارگران مبارز مورد استفاده قرار گرفته است و به همین لحاظ نیز بخش مهمی از مبارزه کارگران علیه این قانون و ماده ۳۲ اخیر بوده است.



لیکن وزارت کار جمهوری اسلامی در برابر آن همه مبارزه کارگریه تنها گامی در جهت تغییر و با اصلاح قانون کار زبردناشته، بلکه اخیراً "به تثبیت آن و منجمله تثبیت مفاد ماده ۳۳ همت گماشته است. با این تصمیم کارگران راه هر دلیلی، همچون گذشته می‌توان از کار اخراج کرد، مگر آن که عضو شورای اسلامی کارگاه باشند. از ما هیات این انجمن‌های (به قول شورای عالی کار: شوراهای) اسلامی همه با خبرند، اعضای اینان نه تنها منتخبات کارگران نیستند بلکه عموماً از ضدکارگرترین عناصر ضدکارگاه تشکیل می‌شوند و در مجموع عملکردی جز در جهت سرکوب و ماضع کردن حقوق کارگران نداشته اند و دقیقاً "به همین مناسبت است که شورای عالی کار چنین تصویب میکند: "اعضای اصلی و علی‌البدل شوراهای اسلامی کارکنان واحدها... که طبق لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی انتخاب شده‌اند، - همچنین هیات مؤسسان شوراهای... در زمره نمایندگان کارگرتنگی و از ممنوعیت موضوع تبصره ۲ ماده ۳۳ قانون کار برخوردار می‌باشند." (نقل از کیهان ۱۸ مرداد ۶۰).

در آغاز بنظر می‌رسد که هدف شورای عالی کار حمایت از کارگران مبارزی - است که علیرغم تشبیهات بعضاً در شوراهای گوناگون کارگری راه یافته - اند، لیکن سرپرست سازمانهای کارگری وزارت کار، برای رفع هر تنوع شبهه روز بعد از اعلام تصمیم در تثبیت ماده ۳۳، ضمن مباحثه‌ای اعلام کرد که مقصود از شورا، شوراهای مصوب وزیر بنظر وزارت کار است و البته "به طور کلی شوراهای اسلامی کار خانات در کلیت خود مورد تأکید ما هستند" لیکن برای جلوگیری از سوء استفاده "عناصرد انقلابی" بهره‌مشمول شورای کارگری راه شوراهای ثبت شده در وزارت کار محدود کرده ایم. "این مقام ضمن دفاع از این شوراها می‌گوید که "تخلیفات شغلی از جانب آنان (که می‌توانند مستمسک ماده ۳۳ قرار بگیرد) بسیار نا درخواهد بود. او در نتیجه این اقدام فدکارگری که دست کارفرمایان را در اخراج تمام کارگران

و بخصوص کارگران مبارز عضو شوراهای غیر قانونی" باز می‌گذارد، می‌گوید که با این کار جلوی اخراج اعضای شوراهای اسلامی توسط "لیبرالها و کارفرمایان" گرفته خواهد شد.

توضیح وی در مورد صفات اعضای شوراهای اسلامی خوبی نشان می‌دهد که مقصود وزارت کار قوت قانونی بخشیدن به فعالیت‌های ضدکارگری این عناصر است: "اعتقاد و ایمان به انقلاب اسلامی و مبنای جمهوری اسلامی ایران، دارا بودن حسن شهرت و بی‌خورداری از تقوی در دو بعد اخلاقی و سیاسی... به انضمام شرایطی که در قرآن به آنها اشاره شده است.

وی صراحتاً "بر آزما میدارد که چون - عده‌ای از نیروهای انقلابی در شوراهای کارگری "رخته" کرده‌اند، لازم است کارگران به وزارت کار رجوع کنند تا صلاحیت اسلامی شوراهایشان به تأیید برسد و بتوانند از ممنوعیت اخراج اعضای شورای خود استفاده کنند و سپس اعضای "نا صالح" اخراج شوند. (کیهان ۲۵ - مرداد ۶۰)

سخن نام‌ینده وزارت کار به قدر کافی روشن است: تثبیت ماده ۳۲، ضدکارگری ۳۲ نابود کردن شوراهای کارگری و اخراج عناصر مبارز و سایر کارگران از کارگاه - ها، احساس قدرت صوری که بی‌سبب از سر کوبیده بی نظیر اخیریه مقامات حکومت اسلامی دست داده، به آنان اجازه می‌دهد که در رویا روشی با جنبش کارگری، این همه بی‌پروا سخن بگویند. اما در عمل این جنبشکارگری است که حرف آخر را خواهد زد.

برقوت برشت در ستایش دیالکتیک

بیدادگری امروزه با گام‌های استوار پیش می‌آید - ستمگران برای یک دوره هزار ساله خود را آماده میکنند - زور اطمینان میدهد که: "همه چیز، از همین قرار، می‌ماند و می‌ماند. و تنها فرما تراویا نند که صدای خود را بلند میکنند

و چنین ندا در می‌دهد است شما را در بازار: - "این نیست مگر آغاز کار." - از ستمکشان نیز بسیاری می‌گویند: - "ما هرگز به خواست خود نخواهیم رسید." آن کس که زنده است، سزاوار نیست که به طمئن نیست اطمینان

و هیچ چیز نمی‌ماند بدینسان پس از آن که حاکمان سخن خود را گفتند نوبت می‌رسد به محکومان چه کسی را رای آن است که بگوید: "هرگز!"

به مطمئن نیست اطمینان و هیچ چیز نمی‌ماند بدینسان پس از آن که حاکمان سخن خود را گفتند نوبت می‌رسد به محکومان چه کسی را رای آن است که بگوید: "هرگز!" اگر به ما نندستم، مسئول کیست؟ ما در هم شکستش به دست کیست؟ با زهم ما بگذار آن که افتاده برپا خیزد بگذار آنکه گم شده بیستیزد آن کس که موقعیت خورا شناخته است چگونه بازش می‌توان داشت؟ زیرا مغلوبان امروز فاتحان فردا بند و هرگز به امروز بدل می‌شود!

ساختار سیستم دموکراتیک

بقیه از صفحه ۱۷

شود و فقط کنگره بعدی است که میتواند آنها را تسخیر کند و با تغییر دهد. انضباط پروتئری حکم میکنند که کلیه اعضا و فعالین تشکیلات ضمن بحث و بررسی آنها و حتی تدوین نظرات انتقادی خود در مورد آنها، و مبارزه درون تشکیلاتی جهت ایجاد زمینه مناسب برای تغییر یا تصحیح و تکمیل آنها در کنگره بعدی (مطابق حقوق اقلیت درون سازمانی و بشوهرهای لئینی مبارزه درون حزبی) آنها را با جرات آوردند. مطمئناً رهنمودهای لئنین کبیر به ما به علم - ل - میتوان اندر آموزش و هدایت ما بسیار مورد توجه باشد:

"رهنمودهای کمیته مرکزی معطوف به کل حزب است. درجه محدودی این رهنمودها در رابطه با این مسئله بخصوص لازم الاجرا هستند؟ بطور واضح، در چهار چوب تصمیات کنگره و در چهار چوب خود مختاری سازمانهای حزبی که توسط کنگره شناخته شده است. " (تا کنبد ما ست) " (انضباط حزبی و نیز بر علیه سوسیال دموکراتهای هوادار کادت " پروتئری شماره ۰۸ - ۲۳ - نوامبر ۱۹۰۶، مجموعه آثار انگلیسی جلد ۱۱ صفحات ۲۲۲ - ۲۲۰)

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

"ارگان" سازمانی و نقش آن

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشریه کاد - سازمان دهم

بقیه از صفحه ۱

اگر در شرایط پیشین مثلاً "شما ه قتل و با قتلستان، بهمراه چاپ و توزیع نشریه کاد روسا و دبیر تبلیغاتی نیز در اشکال کم و بیش وسیع مورد استفاذه بود، بساط... ها و دکه ها در هر گوشه و کناره رندای زمان را بگوش توده ها میرساند، بلاکارها بر سر هر چه راه را خراب و قانع و رویدادها را در وسیعترین شکل بخش میکرد. نظرات - خباثی، بحث ها و وجدان ها در هر گوشه برزق و هر مکان عمومی، بخش علنی اعلامیه و... همه و همه در خدمت توضیح، تبلیغ و ترویج - نظرات سازمان قرار داشت. اگر در شرایط پیشین ارتباطات گسترده سازمانی، - جلسات و وسیع ترویجی، تعداد جلسات و نشریات دورنی، این امکان را میداد که تحلیل های سازمان تا وسیع تریویا به ای ترین افکار و هواداران ترویج و تبلیغ گرد اگر روابط گسترده تشکیلاتی امکانات - وسیع تماسگیری و قرارهای متعدد اجازه میداد تا نظریات، تحولات و دستورات سازمانی به برترین صورتی صورتی به نامی گوشه های تشکیلات برسد، اینک شرایط - متفاوتی پیش روی ما است.

بازمانده را ایفا نماید بدلتین میگوید - "کلمات لیکنخت سر با زوسپال دمکراتی آلمان را در سر لوجه فعلی لیتها بمان قرار میدهم، "یاد بگیر، ترویج کن، سازمان بده" و محورا بین فعلی لیت میتوا ندوبا بد فقط ارگان حزب باشد" (النتین - وظیفه مبرم ما - جلد ۴ کلیات).

ارگان نه فقط یک مبلغ، بلکه تغذیه کننده تبلیغین سازمانی و سازمانده آنگان است. وظیفه ارگان نه فقط تبلیغ، بلکه سازمان دادن آن شکلی از تبلیغ است که تبلیغین سازمانی در تمام نقاط قادر - باشد تحول محوری را حرکت نموده، نتایجات خود را سازمان دهند. از سوی دیگر "روز - ما میبناوندوبا بدرهبراید تلووزیک حزب با ندوبا بد حقایق تئوریک و دستور العمل های تاکتیکی، رهنمودها و عا ما زماندهی، وظایف عامتها می حزب را در این با آن - لحظه، تحول بخشیده و عرضه کنند" (النتین - ما به یک رفیق) در نظر گرفتن کنش و وظایفی برای ارگان هیچگاه به معنی کنار نهادن سایر اشکال فعلی لیت نیست - سازماندهی نشریه ای که نقش مبلغ، مروج و ایجاد نشریات دیگر، چاپ و توزیع اعلامیه، نظرات و... نیست، بلکه بهای معنی است که "ارگان" نقش هماهنگ کننده، - سازماندهنده و راه تریق جهت اتخاذ این اشکال فعلی لیت را بعهده دارد. "در صحبت دربار و لیزوم شمرکز همه نیروهای حزب، همه نیروهای ادبی، همه توانا شیاها سازمانی، تمام منابع مادی و غیره با بی ریزی و هدایت صحیح ارگان کل حزب، ما حتی برای یک لحظه فکرمی کنیم که با بد اشکال دیگر سر فعلی لیت ها ما تبدیل و محلی، تما بشات - خیا با نی، تحریم، بازخواست جاسوسان، تبلیغات تند علیه نما بیندگان، منفرد سرما به داری و حکومت، اعتمادها یا اعتراضی و غیره بعقب رانده شود، بر عکس ما متقا عد شده اما که همه این اشکال فعلی لیت اساسی - فعلی لیت حزب را تشکیل میدهد. اما بدوین هماهنگ کردن آنها از طریق یک ارگان برای کل حزب این اشکال مبارز انقلابی ۹/۱۰ (نه دهم) اهمیت خود را از دست میدهد.

آنها به تجربه مشترک حزبی، به ما بقاء و ادامه کار و حتی تبدیل نخواهند شد" (النتین - وظیفه مبرم ما - کلیات جلد ۴) النتین به روشنی بیان میکند که تا کید بر نقش ارگان سازمان هیچگاه به معنی نیگاریگری اشکال دیگر فعلی لیت نیست. مسلم است که ما میبناوندوبا بد نشریات محلی را سازماندهیم، بنیامها یمان را در مورد هر مسئله جزئی چاپ و توزیع کنیم، اعتماد با ت کارگری را شکل دهیم، نظرات مردم را سازمان - داده ارتقا، بنخیم، ضرور سرخرا بکارگیریم و... اما سخن بر سر اینست که بدون نقش هماهنگ کننده ارگان کار این تشکیلات و اشکال مبارزاتی بجزیرا کننده کاری - چیزی نیست، هرگاه تجربیات مجمع عمومی صنعت نفت به ما بر کار رگران منتقل نگردد، درگاه شیوه های مبارزه کارگران مبارزخانه - جات مختلف جمع بندی و ارائه نشود، هرگاه مبارزات فباز میز خلق کردیه ما سر

خلفها ارائه نشود، هرگاه شیوه های تبلیغی بکار گرفته شده در شهرها بی چون تهران و مشهد و شهرهای شمال به سا برنقاط کشور منتقل نگردد، آیا میتوان از جنبشی بکبار رجه، سراسری و از اذامه کاری سازمانی و ارتقا، شیوه های مبارزه سختی به میان آورد. چنین نقشی بردوش ارگان سازمان قرار دارد. انتقال تجربیات ارگان - رهنمودهای سازمانی، بررسی واریا اشکال مختلف تاکتیکی و... و بکارگیری تمامی اینها توسط رفا و هواداران.

النتین میگوید "نقش روزنا ما به هیچ وجه فقط به بخش ابده ها، فقط به تربیت سیاسی و جذب همکاران سیاسی محدود - نخواهد شد، روزنا ما نه فقط یک مروج دسته جمعی و مبلغ دسته جمعی است، بلکه سازمانده دسته جمعی نیز میباید. از این نظر میوان آنرا با جوب بستنی در طرف عمارت در - حال ساختن ما مقابله نمود. این جوب - بست طرح عمارت را نشان میدهد و رابطه بین سازندگان مختلف را تسهیل کرده است و آنها کمک میکنند که کار را تسهیل کنند و نتایج عمومی را که بواسطه کار متشکل به دست آمده است از نظر بگذرانند" (النتین از چه با بد آغا ز کرد؟).

اینک که نقش و اهمیت ارگان سازمانی تا حدودی روشن گشت بهتر است بشکل مشخص تری هر یک از وظایف ارگان را بررسی کنیم.

"ارگان" سازمانی و تبلیغ: نشریه ای که "ارگان" سازمان است نقش محوری تبلیغاتی سازمان را ایفا میکند. اما با بد دید محوری تبلیغاتی سازمانی یعنی چه؟ سازمان - شیوه های تبلیغی متفاوتی را بکار می گیرد، زمانی که رفیق هوادار را در تویوس به توضیح شفا می مواضع سازمان میبرد از د، دهقانان در مورد جا ده سفالته یا گاز و شیل تراکتور را با بکارگیری رهنمودهای - سازمان به تنفر و کینه آنگان نسبت به رژیم بدل میسازد، زمانی که نشریه شایه ای از - سازمان مسائل سیاسی محلی را بررسی میکند و دیدگاه سیاسی سازمان را بر زبان - یاده توضیح میدهد، آنگاه که با نظرات موضعی شعارهای سازمانی به میان توده ها میرود... همه اینها شیوه های متفاوتی از تبلیغند که هر روز سازمان وظیف وسیع هواداران بکار گرفته میشود. اما تمامی این شیوه ها و حتی کار بست هر روز و سراسری بدون پیوند بیکدیگر، - بدون داشتن یک محور و خط مشخصی، خرده کاری و پراکنده کاری نیست. رهنمود عملی در مورد کار بست هر یک از این شیوه ها از ارگان گرفته می شود، ارگان، محور تبلیغاتی سازمان است.

۱- ارگان دستما به تبلیغات ما را فراهم میسازد، با مطالعه دقیق ارگان بد رستی بر مواضع سازمان مسلط خواهیم گشت و از اینرو تبلیغات ما از انحراف از خط سازمان - میرا خواهد شد. هرگاه ما اطلاعات از مسالنه دولتی شدن تجارت خارجی و پیوند آن با سوده های کلان تجار رنداشته با شیم، هرگاه

بقیه از صفحه ۸

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیت

یادداشت‌های تاریخی

مقدمات کودتای ۲۸ مرداد (۱)

"فرمانده عملیات کودتای کهنه" از سوی امیرالیم آمریکا وانگلیس، تحت عنوان "طرح آجاکس" به اجراء آمد، در خاطرات خود گفته است: دولت مصدق را به یاری "روحانیون، ارتش و اوباش برانداختیم". بی گمان، اما، بیسروزی کودتا و برقراری مجدد سلطنت، و رفع بحران سلطه امیرالیمستی ناشی از مقدمات دیگری هم بود. چنانچه نیروهای انقلابی مقابله نکردند یا برای مقابله نداشتند؟ چرا مصدق به کودتا کردن نهاد؟ و چرا توده‌های شهری در صبح ۳۰ تیر هم نبودند و توده‌های روستائی از آن هم بدتر، کودتا را به منزلت امری مقدار احساس کردند که هم چون زلزله، الهی برده است و بران نازل شد؟ این‌ها برای "فرمانده عملیات" پرسش‌هایی علی السویه است. در حالی که اگر به تاریخ نگری مبتذل در تنظیم می‌باید بر همین‌ها انگشت بگذاریم و می‌باید همه تغییراتی را که در تناسبات نیروها، بیش از یک دهه، پدید آمده، و در پی آن مقدمات کودتا فراهم شده، ملاحظه کنیم.

ما در رشته مقالات خود، نخست توصیف تاریخی و آنگاه تحلیل ثنوریک قضیه را بدست می‌دهیم.

بزرگ در ایران بود، دولت آمریکا از طریق فرار داده‌های نظامی کوشید سلطه خود را در خاور میانه و ایران تحکیم بخشد. از جمله در ۲۵ اکتبر ۱۳۲۱، لایحه خرید سازوبرگ و تدارکات به مبلغ ۴ میلیون و پانصد هزار دلار در مجلس سیزدهم تصویب رسید. در ۲۲/۸/۲۴ نخستین قرار داد نظامی جمهوری به فرار داده‌ها عقد در پیوسته از مجلس گذشت. با زدن ۱۳۲۲ و در دوران زمامداری ساعد، چندین پیشتهاد از جانب شرکت‌های نفتی انگلیس و آمریکا به ایران ارائه شد؛ همزمان کمپانی "تل و" استنادار داداگتوم" - خواستار امتیاز نفت در جنوب شرقی ایران شدند. حزب توده به مخالفت برآمد و از طریق دکتر اردمش موضع حزب را "عدم اعطای امتیاز نفت به دولت‌های خارجی" حتی به "دولت شوروی" اعلام داشت. در سال ۱۳۲۲ دولت شوروی درخواست نفت کرد و هیاتی را به ریاست کافترزاده برای مذاکره به ایران فرستاد. دولت ساعد برای طفره رفتن از مسئله عدم درگیری با شرکت‌های رقیب تصمیم گرفت که تا پایان جنگ "اعطای امتیاز" را مسکوت بگذارد.

اکنون حزب توده به سمت موضعی جدید جهت گیری کرد. ارگان‌های حزبی دست بکار شدند. روزنامه مهر به شماره ۲۱/۷/۲۳ نوشت: البته ما با امتیازاتی که پاره آن بر استعمار باشد، مخالفیم. البته از زود داریم "نفت ایران بدست ایرانی" استخراج شود، ولی "می‌بینیم که با این اوضاع و احوال این هیئت‌ها که تا چه اندازه می‌توان این آبدال را به منصفه وقوع نشانید. از این جهت نمی‌توان بطور کلی با اصل امتیازات مخالفت داشت. بلکه صحبت در شرایط و اوضاع و احوال آنهاست.

دولت وقت، که در پی شرایط مناسب برای جرح قطعی در جهت منافع امیرالیم بود، بر سر تصمیم خود ایستاد. آنگاه، حزب توده در هواداری از اعطای امتیاز نفت دست به تظاهرات زد، کچه فراد ارتش سرخ نیز که هنوز خاک ایران را تخلیه نکرده بودند، در آن شرکت جستند. اپوزیسیون بورژوازی (جناب مصدق) که در عین حال خود را از آندگنستار میداشت، به این اقدام خرده گرفت. مشی پرولتری که از همبستگی بین‌المللی انقلاب دفاع میکند، می‌باید ما هیئت "فداستعماری" این اپوزیسیون را - افسا میکرد و خود، پیگیرانه جهت گیری فدا امیرالیمستی توده‌ها را از زمان میداد و پیش می‌برد. اما تعارضات، تنها در سطح "لجن پراکنی" باقی ماندند و اختلاف بر سر امتیاز شوروی برجسته شد. ارگان‌های حزبی (رهبر، شماره ۳/۹/۲۳) نوشتند: دشمنان طبقه کارگر از "بیداندن چند سرباز سرخ" رنیده‌اند و کسانی که در سایه سرباز ارتش سرخ به آزادی رسیده‌اند، اکنون از آن -

هفتم آن ۱۳۲۲، دوروز پس از - برپائی تظاهرات حزب توده، دکتر مصدق از آگوش آن حزب استفا کرد: آنها می‌گویند اعطای امتیاز به شرکت‌های تابعه دولت آمریکا - از این لحاظ که آن دولت مجاور ما نیست - خالی از ضرر است. در اشتباه اند. تنها عدم جوارت دلیل نیست که دوران امتیاز به آن دولت یا به شرکت‌های آمریکائی برای ماضر نکند. در هر حال، من با دادن امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم. (۱ - کارنامه مصدق، مزدک، ص ۳-۲۲)

موضع حزب توده در برابر پیشنهاد مصدق در جهت اتخاذ سیاست "توازن منفی" درقبال نفت، دوگام به پیش بود. احسان طبری در "مردم برای روشنگران" (شماره ۱۲/۸/۱۹۰۲) سنگ تمام را گذاشت: -

همانطور که دولت آمریکا میخواهد "مناطق نفوذی خود را از طریق کمپانی‌های نفت در ایران نفوذ دهد، این بسیار طبیعی است که همسایه شمالی از لحاظ منافع بین المللی دست به همپنا اقدام بزند. اکنون وظیفه دولت ایران چه باید باشد؟ سیاست توازن منفی "عدم اعطای امتیاز کاملاً خطاست. دسته‌ای نیز معتقدند که "فقط" باید به یکی از این اردوگاه‌ها امتیاز داد. این عقیده نسبت به هر طرف که باشد عقیده غلط و خاشنا نه است. پس چه باید کرد؟ نظریه "دسته‌ای که من شخما" در آن دسته قرار دارم" این است که "دولت به فوریت برای امتیاز نفت شمال به شوروی و نفت جنوب به کمپانی‌های آمریکائی و انگلیسی وارد مذاکره شود. در این مورد باید از رقابت ما حبان امتیاز استفاده کرد. باید هر دو اردوگاه را خوشنود داشت. زیرا "به همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه آن صحبت نمی‌کنیم، باید معترف باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافع جدی دارد. البته چون دولت شوروی یک کشور استعماری نیست، برقراری این روابط سبب خواهد شد که ما نیز از استعمار رها شویم و از این فرار داده‌ها "خدا عطف استفاده را ببریم. حزب توده معتقد است که "باید در ایران دولت به تمام معنی دموکراتیکی بوجود آید. منظور از دولت دموکراتیکه این است که "با دول‌جهاتی یعنی انگلستان و آمریکا و شوروی روابط واقعا "میممانه خود را حفظ کند. "دولت دموکراتیک باید دعا مل سازش و "عامل ادما اشتلاف این سبب قدرت بزرگ در ایران باشد. هر سبب دیوانه‌ای بران نیست که فقط با شوروی دوستی کنیم، بلکه "ما با آنهاست غرور معتقدیم "دوستی با شوروی "یکی از مبانئین دموکراسی و اشتلال ایران" است. خاصه وقتی آمریکا و انگلیس هم هر یک سهم خود را از این اشتلاف ببرند.

حزب بر آن بود که با پدیده زودتر "خط دولت ساعد را جبران کرد. این یک شوخی نیست، یک تنازع حیاتی است. رهبران حزب در حالی که از انتشار محتوای قراردادها خودداری - میکردند (ولفوسارار معاملاتی و بازگانی یکی از اصول پرولتری است)، دولت ساعد را "فاسیت" می‌خواندند، لقبی که بعدها دکتر مصدق هم بدان مفتخر شد. از دیدگاه آنان اتخاذ سیاست توازن منفی کچه

با حزب توده آغاز می‌کنیم که بیشتر اوتشکل‌های سیاسی بود و زودتر و فعال‌تر از سایر نیروها به میدان آمد. و چنانکه خواهیم دید، از ۱۳۲۳ (۱۹۴۵)، یعنی از سالی که مسئله اعطای امتیازات نفت از جمله به شوروی طرح شد، تا کودتای ۲۸ مرداد، حزب توده در انطباق با تغییرات و نوسانات سیاست جهانی، هر لحظه موضع و مثنی نوینی اتخاذ کرد. (۱ - البته، در اینجا سیاست خارجی شوروی مطمع نظر نخواهد بود، بلکه اشتقاقیه سیاست حزب توده مطرح است که - انترناسیونالیزم در کردار، یعنی خط مشی پرولتری برای تسخیر انقلابی قدرت در سطح ملی، را به برپا نهاد. اقلیم بزمردان آن حزب، در پیشبرد آن سیاست گاه سلطنت طلب و هواداران آن اساسی شدند. گاه "حالی تعالیم اعلام" گشتند گاه از لیبرالیزم اقتصادی و رقابت آزاد دنیا زار نفت گفنگوها کردند، و گاه به پیشینیانی از توسعه غیر سرمایه داری از طریق "بسط مناسبات بازرگانی" و سیاسی با شوروی برآمدند. اگر هم گهگاه و به سالهای ۱۳۳۰ "حزب طراز نوین طبقه کارگر" را به رخ کشیدند، از جهت عوام مغربی کارگران بودند و در ثنوری و تاکنیک پرولتری. چنانکه بعدها کمیته مرکزی از زبان عبدالصمد کا میخوش اعتراف داشت: در جنبش نفت، "حزب توده" دجار اشتباهاتی شد که ارتجاع امیرالیم از آن برای سرکوب جنبش استفاده نمودند. "نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، انتشارات حزب توده، ۱۹۵۳، ص ۴۹)

سالهای ۲۲ - ۱۳۲۲ دوران تشدید رقابت‌های اقتصادی و سیاسی قدرت‌های

بقیه در صفحه ۱۱

آزادی سوء استفاده میکنند.

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

آیت الله خمینی و رویای شاهانه‌ای بنام ساواک ۳۶ میلیونی

بقیه از صفحه ۱

همواره فتوای‌های خمینی بعنوان - آخرین حربه توسط رژیم بکا رگرفته میشود و اینبار رنیز چنین بود. فتوای زمانی مادر شد که رژیم تنها می نیرووتوان خود را جهت سرکوب و شتابانی نیروهای انقلابی - آزموده بود. رژیم ریوروش و حشیا نه‌ا خیر خود از شما می حربه‌ها و نیرنگها سودبرد. بسیج شما می نیروها را سیاه و "بسیج" بعنوان - عمده ترین ارکان سرکوب نموده‌ها، خانه - گردیهای وسیع، خیابان بندها و گشتن انومبیلها و عابریین، با زاری و وسعت بخشیدن ستاد امنیت، سا و اما و تجمیهای شقیب و مرا قبت، بکار رگبری تیمسارهای آریا مهری (چون فردوست) و سا و اکیهای یکار گشته، بکار بستن حزب اللهیای همان یاند های فالانزمزودر رژیم جهت جاسوسی و شناسایی، چاپ و نشر وقیحا نه جزوات و تجربیات سد خلقی سا و اک در روزنا مه‌ها (نحت عنوان مقالاتی چون چگونه خانه‌های تیمسار شما می کنیم... افتار و بسیج و همه جا نشه بر ارگانهای دیگر سرکوب که بیعت از هم‌ها شدگی جود رژیم‌ها می‌کند - آنها و بیعت همسنگی نسبی‌ها می‌های آن با نموده‌ها در جهت مقابله با نیروهای - انقلابی حرکت چندان نمی‌کنند و آنجمله موج‌فتار همه جا نشه جهت بکار رگبری وسیع شهرها می‌نوی... همه و همه سیری بود که رژیم جهت سا زمان دادن سرکوب نهایی طی کرد. روی مدسا له که رژیم یکشبه آنرا بیمود، و در نه‌ها بیت نیز فتوای "پیشوا" "مکمل" تمامی وقاحت‌ها، بیورشها، سرکوبها و وحشیگریها گشت.

اینک رژیم آخرین مهره‌های خود را به میدان کشیده و با تمام نیروها خل جنگ - گشته است اینک ارگانهای سرکوب تا آنجا که میشد صیقل یافته و بکار رگرفته شده، اینک نیروهای تبلیغاتی رژیم شب و روز دست - اندر کار رند تا آخرین نیروهای متزلزل را نیز بیاری بگیرند. برانقلاب بشورا نند. اینک صدا انقلاب حاکم که در اثر رشد انقلاب هر چه متمرکزتر و منسجم‌تر گشته یورش تا پای جان - یورش مرگ و زندگی می‌را - سا زمان داده است، و خمینی نیز با دیگر طناب مذهب را می‌کشد تا بقا قشاری از خلق را به این طریق به مسلخ انقلاب رهنمون گردد. تا شاید عمده‌ای را با پای خود بسه صلخ آورد.

رژیم حرکات عصبی و حشیا نه خود را - مدت‌ها ست سا زمان داده است و نطق خمینی بعنوان آخرین برگ است که در این بازی رومیکند. نطق خمینی مکملی است بر تمامی اعدایهای انجام شده، اعدایهای که در - تا ربح رژیمها یخ خلقی کمتر نموده‌ها می‌آن دیده می‌شود، کودک، نوجوان، زن، حامله، زخمی، مریض، بدون بستن، در حال دودین، بی‌سای چشمان بسته و بدون تیر خلاص... نطق خمینی مکمل تمامی اعمال و وقیحا نه‌ای است که شاهان نظیر آنرا فقط بتوانن پس از وحشیا نه ترین و خونبارترین کودتا‌ها می‌نظن می‌یافت. یورش شتابانه به منازل، محلات، ۸ شب تا صبح، شکستن درها، بهم ریختن وسایل و وحشیگری، ضرب و شتم، دستگیری بی‌خاطر یک نشریه، بی‌خاطر یک پوستر، بی‌خاطر روزنا مه انقلاب اسلامی! تا راج، به بیغما بردن همسر

آنچه هست و ویرانگری، راه بندها، نفتیش بدنی‌ها بران، زن و کودک با وقیحا نه ترین شکل، نفتیش انومبیلها، نه بکار... - دادن کارت عبور...

نطق خمینی مکمل تمامی وقاحت‌های است که بورژوازی حاکم رست تا نموده - ها را بر ضد نیروهای انقلابی بسیج کند، سخنرانی رفسنجا می‌که شهر با نی را به کار کرد شا‌ها نه فرا خوانند و گلابه‌اش از این بود که چرا شهر با نی آنچنان کار نمی‌کنند که در زمان کمینته مشترک میکردند و بیایا نه وقیحا نه حوزه علمیه قم خوا ستار گشتن شما می‌خانه‌ها ست. خلاصه کلام نطق خمینی مکملی است بر شما می ترقتدها و شیوه‌ها می‌که بورژوازی حاکم جهت به تا نبودی کشا نیدن انقلاب بر قرار می‌نظم "سیاه خود بکار رگرفته است.

اما بهر رو با بدیه بررسی‌ها مدها و با زتاب‌ها می‌فتوای خمینی - یاد حقیقت به بررسی این مرحله زتاب کشیکها می‌رکوب گرا نه رژیم که نطق خمینی نیز گوشه‌ای از آنرا میسازد - و شیوه‌های مقابله با آن بپردازیم. این بررسی بخصوص در زمینه شیوه‌های مقابله نه ضرورتا "به معنی تکرار شما می‌تا کشیکها می‌در این مرحله، بلکه به معنی اتخاذ روشهای است که باید در وسیعترین شکل و توسط وسیعترین نموده - ها می‌که قادیبه حرکت در آوردن آنها شیم، بکار رگرفته شود.

مسلم است که نطق خمینی بعنوان - فتوای شروع و مرهبر به تشدید حرکات تبلیسی رژیم و از جمله شدت بافتن خانه‌گردیها و گشتن انومبیلها، عابریین و گشتن موتورها

خواهد انجام مید. در این میان با زسوسی با بدتدا بران منبیتی را به شدیدترین صورت بکار رست، از هر گونه رفت و آمد متقل و - انتقال زتاب بدبشت اجتناب کرد و از سوی دیگر چنین مواقعی تا بیرویه‌های از نظر محمل و جا سا زتاب ندیدید. اما این فقط یک طرف مساله است از سوی دیگر باید در وسیعترین شکل ممکن حرکات جمعی و اعتراضات در مقابل این اعمال را که سلب یکی از ابتدائیترین حقوق نموده‌ها ست سا زمان داد.

در این مورد میتوان از ابتدایی - ترین اشکال اعتراضی چون بوق زدن در راه بندها و هاتشویق مردم به جمع شدن و اعتراض نمودن، انتقال و گسترش وسیع اخبار را که گردی‌ها و نفتیش‌ها می‌شد در میان نموده‌ها و برانکیختن حالت اعتراضی آنان بر ضد این عمل سرکوبگرانه رژیم آغاز نمود. در شرایط مساعدمیتوان در هنگام محله گردی اعتراضات جمعی سازمان داد و بعنوان مثال مردم را به جمع در - خیابان و باز نکردن در منازل شنویق کرد. این حرکات در گسترش خود میتوانند به اشکال اعتراضی سا زمان یافته نشود و وسیعتر تبدیل گردد. با بدیه نموده‌ها تویق داد که امنیت محل سکونت و حق نگهداری نشریات، اعلامیه‌ها و کتب از ابتدائی - ترین حقوق آنها ست. با این عمل با بدیه سعی کنیم تا هراس ایجاد نشده از نگه‌داری نشریه و کتب با اعلامیه در منازل را از ذهن مردم بزداییم و آنان را به دفاع از این حق خود ترغیب کنیم. با بدیه نموده‌ها تویق

داداگر رژیم در هر خانه‌ای که نفتیش می کند با نشریه و کتاب مواجه گردد، هیچ غلطی نمیتوان ندیکند.

یکی از روشهای مناسب برای مقابله با محله گردیها زماندهی ابتدا بی در سطح جوانان محله برای مرا قبت و خبر رسا نیی است. هرگاه همیشه قبل از آغاز محله گردی تمام محله را زاین مساله مطلع گردانند، سا زمان دادن واکنشی مناسب در مقابل این عمل بسیار ساده تر است این کار را میتوان به سه تا دگی با زتاب رنگ شما می منزل و اطلاع دهنده آنها انجام داد. برای اطلاع یکدیگر - در اینجا سا زماندهی ابتدائی میتوان علامت صوتی ساده‌ای چون سوت یا دست زدن را بعنوان فرار داد تعیین نمود. از سوی دیگر مساله "این سلسله

شهادت رژیم و از جمله فتوای خمینی در نا آگاهترین افشا نموده‌ها تا شیرخواستنها دودر عین حال که "حزب اللهی" را نیز بشکل فعالتری به صحنه جاسوسی و خبرچی خواهد کشا نند. در این رابطه نیز با بدروش های زیرا را در وسیعترین ابعاد، بعنوان وظیفه در میان تمامی نموده‌های هوادار و سمپا تبلیغ نمود و به عمل در آورد.

با بدکارا که هرگاه در این رابطه با وسیعترین نموده‌ها سا زمان داد، با بسد ما هیت سرکوبگرانه رژیم، ما هیت عمل ضد خلقی جاسوسان و علت دشمنی رژیم با نیروهای انقلابی را با ساده ترین زبان بیان نموده‌ها توضیح داد. در این رابطه محور تبلیغ ما را مقالات نشریه کاروا اعلامیه سا زمان در مورد "جاسوسی به نفع رژیم" و "هشدار به

هواداران اکثریت جناح راست" تشکیل خواهد داد. با بد این مطالب را در تبلیغ شفا می، بشکلی ملموس برای نموده‌ها توضیح داد. بشکل دستنویس بردیوارها نصب کرد (و این کار را ست که در شرایط فعلی باید توسط هر هوادار وسیعاً صورت گیرد) و در این رابطه با بدشعارهایی را بردیوارها، داخل تلفنهای عمومی و اتوبوسها و دیگر محللهای مناسب نوشت. مثلاً "جاسوسی برای رژیم، بر ضد منافع مردم است" "جاسوسان - رژیم را انتقام خلق نمیتوانند بگیرند" "جاسوسی نکنید، در مقابل مردم و انقلاب نایستید" "از سر نوشت ما واکیها عبرت - بگیرید" و...

در رابطه با بندها میا به حزب اللهی از سوی با بدتدا سا می دقیقاً در مورد - محل سکونت، محل کار و مسیروا عات رفت و آمد و... آنها انجام داد. در رابطه با این افراد میتوان از تهدید و ارباب - بهر طریق - نیز سود جست و این در شرایطی است که بهر دلیل نتوان رهنمود مشخص سا زمانی در رابطه با شیوه برخورد با بندهای سیاه و لزوم ضرورت سرخرا سا زمان داد.

اما با بد در نظر داشت که جهت با بد - ها جهت کشیک با بندهای سیاه نیز نبا بد کارا که هرگاه غافل مانده، این عمل را میتوان از طرق مختلفی چون نصب دست نویس، انداختن اعلامیه و یا دستنویس درون خانه و... به پیش برد. در عین حال شیوه‌های دیگری را نیز با بدکار رست و آن اظلم در سیستم خانه گردی رژیم است. برای این بقیه در صفحه ۸

تور، شکنجه، زندان حربه غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، شعار زحمتکشان

“ارگان” سازمانی و نقش آن

مبارزات خود را... بقیه از صفحه ۵

ندانیم بندگان چیست و نقش اقتصاد - سیاسی آن کداست، هرگاه ما هیئت عملکردهای خمینی آشنا نیایم، نمویهای مشخص حرکت رژیم در جهت منافع امپریالیستها را ندانیم و... نخواهیم توانست بخوبی تبلیغ خود را به پیش بریم، از سوی دیگر مقالات متعدداً ارگان و اخبار مندرجه در آن ما را در تنوع بخشیدن به تبلیغات خود و خارج شدن از محدودگی گویی با ری می کند و باعث میشود برای هر سخن خود چند نمونه و مدرک و شاهد که مسلماً از محدودگی و قیاس و تکرار محلی ما بسیار فراتر است ارائه دهیم.

این روشن است که هیچ رفیق، هیچ هسته‌ای و هیچ یک از نهادها و تشکیلاتی به تنهایی قادر نخواهند بود یا از محدودگی اطلاعات محلی خود بیرون نهند، و از اینروست که عدم درک صحیح نقش ارگان و محور قرار ندادن آن میتواند به محدودیت بینش سیاسی و اسیر گشتن در محدوده تنگ محلی بیاورد. تنها با قرار دادن ارگان - بصورت محور تبلیغی است که میتوان به دیدی همه‌جانبه و گسترده و با آشنایی با مبارزات سراسری نودها تبلیغ را سازمان داد و در همین رابطه نیز به بیوند هر چه بیشتر مبارزات توده‌ها با ری رسانید.

۲- ارگان، عمدگی سوز تبلیغ ما را روشن میسازد؛ یکی دیگر؛ زوجی که ارگان را بعنوان “مبلغ دسته جمعی و محور تبلیغات سازمان در می آورد و روشن ساختن خط تبلیغ است. در هر مقطعی زمانی ممکن است مسائل متعددی سوز تبلیغ ما با شما همواره نوبت نیز حمله بروی نیروها هدف مشخصی است.

ارگان جهت این حمله و نوبت تیزبینان را مشخص میسازد، ترکیب مقالات متعدداً ارگان و سخن رها مطرح شده در آن بین عمدگی روشن میکند. این مسائل را در شرایط متفاوت - میتوان دید، در زمانی که لیبرالها با حزب در حاکمیت تریک بودند تنها و تنها دقت کافی در مقالات و مندرجات ارگان و محور قرار دادن آن میتواند نتوان از وضع عادل محیی را در افشاگریها و تبلیغات سیاسی ما فراهم آورد. اینک نیز در بر خورد با رژیم میتوان از زوج متفاوتی به افشای آن پرداخت، اگرانی، بیگاری، فقر، سرکوب و کشتار و آدم‌کشی، سیاست خارجی ضد خلقی رژیم نزدیکی سریع به امپریالیسم، معاملات - اسلحه جنگ، و... این تعدد جوانب تبلیغ سیاسی قادر است در صورت برخورد غلط ما را به انحراف بکشانند و در اینجا است که ارگان نقش تنظیم و هماهنگی تبلیغات تشکیلات را بر دوش می‌کشد. در شرایطی که جنگ مسلحانه عمده روز است تبلیغ بر محور قرار دادهای انتقادی رژیم تنها از برود و وسیع برخورد را نیست، بلکه از تمرکز و

زمانی که مبارزات دمکراتیک محور مبارزات مردم است، یا فشاری افزون از حد و عمده کردن مسائل اقتصادی نتیجه‌ای جز برود هرزبردن نیروی تشکیلات و توده‌ها نخواهد داشت.

۳- از سوی دیگر ارگان بیوند سراسری - فعالیت تبلیغی سازمان را ایجاد میکند. تبلیغ حول شعارها یواحد، مسائل مشخص، انتقال تجربیات تبلیغی، انتقال تجربیات مبارزاتی و افشای همه‌جانبه سیاستهای رژیم میتواند نتیجه‌ای همه‌جانبه‌دیوارزات توده‌ها و در فعالیت تبلیغی سازمان ایجاد نماید. این هدف روزنامه ما میباید شد که

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

ظهر بود در صاف گوشت نشسته بودم. چند نفری قبلاً ایستاده بودند و مثل همیشه بچوب میگردیدند. خانمی که با چادر مشکی قبل از من شسته بود آهی کشید و گفت کجا رفتی اون همه گوشت و میوه. بخدا خانم تا گوشت کیلویی بیست و پنج تومان نشده بود، گوشت یخی را میگویم، نخورده بودیم. - تا رفا بیهوشی من ترک با عت شد که من شروع به صحبت کنم. در مورد سخنان شب قبل خمینی گفتم که حالا از مردم میخوان همسه ساوا کی شوند. خوب مردم را چون هم انداخته تا خودش با شه، اما کور خورده، این ضعفونه که هی روبه مردم میارن. خانم چادر مشکی گفت جوانها مون همه از زمین رفتند، گرسنگرا عدا می‌کنند چند وقت پیش تو کوجه ما ریختند و چند نفر سرها زومهندن را به اسم مجاهدگر فتنه‌ها لاشیده، بم که دونفر آنها را اعدا کردند. خانم همسه به جفتی آنها تا حالا نسخه‌ها عماما را زنا را حتی بیجیده، در همین حین دونفر خانم که پشت سر من ایستاده بودند پیرسیدند گوشت تازه با یخی، خانمهای جلو گفتند دوباره یخی، خانم که چادر گلدار بر سر داشت و گفت تا حالا که می‌گفتند بریزید بیرون این گوشتها را فقط برد

کودمی خورد و بچا سلامی نیست دفتر چادر - نشا نمدا دکه یک هفته گوشت نگردهام - این همه چربی را کی میخورم، بچها متوسا کا رخنه‌ها میگردن روزی ۱۲ ساعت با سبب لا اقل یک غذای مقوی بخورد همش میگویند بسا زین درست میشه. خانم جوانی که ظاهری کارمند داشت ضمن تا ئید صحبتها ی اون ما در گفت خانم مگر ما چند بار رد نیسای می آئیم که بسا زیم من فقط یک بار زندگی می‌کنم، اینم زنده میمونم... خانم چادر گلدار که قبلاً صحبت میکرد گفت: تا زه شب که میشه تنبوی تنو تلویزیون با خبرنگارها می شینه صحبت - می‌کنه و بیخندی می‌زنه که انگار به جهنم شماها اینقدر بدبختی می‌کشین. انم خمینی با اون ریشش که دا شم فتوای جا سوسی می‌دهد، نوبت گوشت من رسیده بود از قصاب - پرسیدم چرا گوشت تا زه نمیدن گفت خانم از خارج نیامده (در صورتیکه قبلاً از قصاب لاشرا زاون پرسیده بودم گفته بود که کشتارگاه‌ها در اعصابند از گوشت فروشی بیرون آدم‌مردای تا را حتی ما درها و اعتراض هر روز آنها، ادا ما خواستها بی رایی رسا ندکه هنوز به آنها دست نیافته بودند و تا امیدا زادا ما مبارزه تیز شده اند.

آیت‌الله خمینی ورویاهای شاهانه بنام...

عمل میتوان و باید خانه‌ها افراد لانسرو حزب الهی را آشنا سازی کرد (با بد مطمئن شد در آن خانه نیروی متفرقی نیست) و با تلفن‌های داده شده از سوی رژیم آنها را به عنوان خانه مشکوک معرفی کرد. هرگاه هر هوادار این عمل را بعنوان وظیفه و سنگی پیوسته انجام دهد، اختلال وسیعی در سیستم خانه گردی رژیم انجام می‌گیرد.

یکی دیگر از وجوه مساله تشدید فشار، و وارد آوردن فشار رها بی بر شهربانی جهت بکارگیری کامل آن برای سرکوب نیروهای انقلابی و بازسازی آنها ی چون کمیته مشترک است. در این رابطه باید اعلامیه‌ها صادر ربه پز سنل شهربانی نوا حیا تا اعلامیه‌های سعدی در این مورد را وسیعاً و بهر طریق ممکن در میان پرسنل شهربانی توزیع نمود، در خانه آنها انداخت، از طریق فامیل بدست آنان رسانید... تشدید فشار رژیم بر شهربانی وظیفه پرسنل انقلابی شهربانی را بس سنگینتر میکند، این رفتارها با بدکاراگا هگرا نه وسیعاً در شهربانی سازمان دهند و شیوه‌های مقابله مناسب را که میتواند تدبیر وسیعی از تا کنیکها، از مقاومت منفی در مقابل اوامر، با تهر، و فرار از سازمان دهند.

اینک رژیم تنها می‌توان خود را در جهت سرکوب انقلاب و تثبیت فدا انقلاب به کار گرفته است با دیدی که همه‌جانبه را سازمان داد. با بدتمای نیروها را به خدمت گرفت، با یاد زهر تا کنیک، از هر روش مناسب سود جست و مبارزات توده‌ای را ارتقاء داده سازماندهی کرد. رژیم جمهوری اسلامی تا بود است، انقلاب توده‌ای پیروز است.

تجربیات گرانمایه‌ای اعضای حزب راجع - آوری کند و هما آنها را برای رفقا یمان با ز کونما بدتا مثل یک راهنما پیوسته با عت تجدید نظر و بهبود در روش کارها ی کمونیستی باشد. (اصول تشکیلات حزب - کمیته‌نترن) انتقال تجارب انحصاراً به پیشرو در صحنه نظر هرات، سازماندهی و شکل برخورد ربه مبارزات توده‌ها، اشکال مختلف و متفاوت - تبلیغ همه‌جانبه میتوان تده بیوند سراسری فعالیت تبلیغی و مبارزاتی سازمان - کمک رسانند. اینن میگویند: بدون شک کسی که از حیث استعداد تبلیغاتی و اطلاع از زندگی و لگردان و لویطور تقریب هم‌تراز نا دزدین باشد ممکن است از راه تبلیغات مسائل بیکاران خدماتی برون از ارزش انجام دهد، ولی اگرانی شخص در صدد بر نیاید که همه رفقای روسی را از زهر قدمی که بر میدارد مطلع سازد و اینرا برای شخصی که هنوز توانایی ندارد دست بکار رجهت برزند سر مشق و نمونه قرار ندهد، آنوقت این شخص استعداد خود را در خاک مدفون کرده است. (اینن - چه باید کرد)

وظیفه انتقال تمامی این تجربیات به دوش ارگان است. انتقال تجارب - مبارزات کارگری و نقشی بس عظیم در ارتقاء مبارزات کارگران و جلوگیری از تکرار - بهبود تجارب ایفا میکند. انتقال تجارب پخت اعلامیه، تبلیغ شفاهی و شیوه‌های دیگر تبلیغی (که عمدتاً در غالب رهنمودها شکل می‌گیرد) نقش مهمی در جلوگیری از به در رفتن نیروهای تشکیلاتی ایفا میکند. انتقال تجارب سازماندهی در سطح جنبش - نقشی عظیم در جلوگیری از تکرار تجارب خطا و تحمل ضربات سنگین پلیس با زری می نماید. و بهر رو تمای این وظایف قادر - است چون طنای محکم جنبش سراسری را به یکدیگر پیوند دهد و چون جواب بست دور عمارت ارتباطی را یکبارگی مبارزه طبقاتی را - نمودار سازد.

ادامه دارد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

آمریکا:

اعتصاب یکپارچه کارکنان کنترل پروازهای آمریکا و سیاست تهدید و ارباب دولت میلیتاریستی ریگان موج همبستگی عظیم بین المللی زحمتکشان را برانگیخت

جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش



اعلام کرد "ریگان که سرگرم گذار شدن تعطیلات خود در نزدیکی سانتا باربارا میباشد ساعت به ساعت در جریان تحولات اوضاع اعتصاب قرار میگیرد.

و بالاخره پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) اخیراً تهدید کرده است که میتواند ۱۵۰۰ نفر از ۱۰ هزار کارمند نظامی برج - مراقبت فرودگاههای نظامی را به فرودگاههای غیرنظامی بفرستد بدون اینکه به پروازهای نظامی خودشان لطمه - ای وارد شود. اما متخصصان امر اظهار عقیده میکنند این رقم عراق آمیز بوده و دولت چنین امکانی نداشته و این - سخنان تنها برای درهم شکستن روحیه اعتصاب کنندگان گفته شده است زیرا اگر این امر امکان پذیر بود میتوانستند فرودگاهها را کنترل کنند دیگر نیازی به کاهش پروازها تا میزان ۲۵ درصد نبود.

چرا که می بینیم وزیر حمل و نقل آمریکا اعلام کرده است که حجم ترافیک هوایی این کشور حداقل تا ماه آوریل ۸۲ (۹ ماه آینده) به میزان ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین آمریکا تهدید دیگری کرده که در صورت ادامه اعتصاب از آواکس برای کنترل هواپیماها استفاده خواهد کرد.

عکس العمل شدید دولت میلیتاریستی ریگان نسبت به اعتصابیون از یکطرف نمایانگر ما هیبت ضد کارگری دولت در حمایت از سرمایه داران و انحصارات ایالات متحده آمریکا و کسب سود بیشتر برای آنهاست. این امر نشان داد که وقتی پای منافع حال و آینده انحمارت امپریالیستی و دولت نماینده آنهاست میان می آید دیگر تمام ماسکهای فریبکارانه "دمکراسی به کناری زده - میشود و چهره کریه و خضونت با را میرالیسم و جنگلهای خونین او که در دستکش مخملی پنهان میکنند نمایان میشود. و از طرف دیگر این امر حاکی از ترس و وحشت دولت آمریکا از گسترش مبارزات کارگری در سطح آمریکا و اوج نوین این مبارزات میباشد.

نکته قابل توجه در اعتصاب کارکنان کنترل هوایی آمریکا همبستگی و همکاری بین المللی بوده که در سراسر جهان بوقوع پیوست. از همان روزهای اول اعتصاب اقدامات حمایتی و همبستگی از جانب کارکنان کنترل ترافیک در کشورهای

بقیه در صفحه ۱۲

است. با این تصمیم پرواز فرودگاههای کندی، اوکاری، لوگان و فیلادلفیا به مقصد اروپا لغو شدند. مسئولان فرودگاههای اسپانیا از دادن اجازه پرواز به هواپیما - هائی که عازم آمریکا بودند خودداری - کردند. این تصمیم بغلخت خطرات ناشی از عدم کارائی مسئولین کنترل کسبه متصدیان محربی نیستند صورت گرفته. در این رابطه هم شرکت بریتیش ابرویسز (هواپیمائی انگلستان) از روز ۲۱ مرداد اکثر پروازهای خود را از لندن به آمریکا قطع کرد. اکثر شرکتیهای هوایی در این تگرانی هستند که با اعتصاب کارورزیده و تعلیم دیده، کنترل هوایی در آمریکا بدست چه کسی اداره میشود؟

بنابگزارش خلبانان از زمان اعتصاب تاکنون بیش از ۵۰ واقعه خطرناک ناشی از عدم قابلیت کنترل هوایی صورت گرفته است.

تنها ۵ روز پس از شروع اعتصاب، شرکتیهای هوایی آمریکا اعلام کردند که دست کم ۲۱۰ میلیون دلار زیان با آنها رسیده است.

دولت آمریکا بلافاصله پس از شروع اعتصاب پس از یک تهدید شدید، حکم اخراجی برای ۱۲ هزار نفر از اعتصابیون صادر کرد. دولت آمریکا اعلام کرده است این اخراجی بدون بازگشت خواهد بود. به دنبال این اقدام، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد ۵۰۰ نظامی را برای کمک به اداره کار فرودگاهها در اختیار بخش خصوصی قرار میدهد. و با رد دیگر نیروی ارتش ضد خلقی نه تنها بعنوان یک نیروی سرکوبگر طبقه کارگر و زحمتکشان خودی و خلقهای تحت سلطه بکار برده میشود بلکه بعنوان نیروی اعتصاب شکن از آنها استفاده میشود.

همزمان با این اقدامات، تعدادی از رهبران اتحادیه دستگیر شدند. یکبار از رهبران بنا مولرارت به ۶۰ روز زندان محکوم و روانه زندان شد. دولت آمریکا اعلام کرده است که در نظر دارد افراد جدیدی را بجای ۱۲ هزار اعتصابی بیگماردولی بقیول دبیر اجرایی فدراسیون بین المللی انجمنهای کارکنان ترافیک، این امر غیرممکن است. زیرا تربیت هر یک از کارکنان حداقل به دو سال آموزش نیازمند است و برخی از کارکنان به چندین سال تجربه احتیاج دارند، و اکنون هم دولت ریگان با گماردن نظامیان بی تجربه، عملاً امنیت کنترل هوایی آمریکا را دستخوش تصمیمات خشن و ضد کارگری خود کرده است در طول اعتصاب نیز رونا لدریگان به تهدید کارکنان اعتصابی پرداخته و اعلام کرده که قصد دارد از تصمیم خود - مبنی بر اخراج ما موران کنترل هوایی که دست با اعتصاب زده اند عدول کند. اما در عین حال معاون سخنگوی کاخ سفید

ادامه بحران اقتصادی و تورم کمتری شکنی که از طرف دولت ریگان بمیزان ۱۳/۵ درصد برسمیت شناخته شده، هر روز فشار بیشتری را به طبقه کارگر، زحمتکشان و کارمندان وارد میکند. از اینرو اردوی کاربخاطر دفاع از حقوق اساسی و تامین معیشت خویش در مقابل بله با تورم، - در خواستهای اقتصادی و اضافه دستمزد را مطرح کرده و برای تحقق بخشیدن آن به مبارزه برخاسته است. اما در مقابل سرمایه داری و دولت نماینده آن برای تامین سود بیشتر و غارت هر چه بیشتر نیروی کار و تصاحب ارزش اضافی افزون تر، حمله به کار دستمزدی را به خشن ترین وجهی هدف قرار داده و در قبال هر نوع خواست کارگران و کارمندان سرخستی بخرج میدهد. به همین دلیل در ماههای اخیر حرکت اعتراضی - اعتصابی در آمریکا بشکل قابل توجهی (در مقایسه با سالهای قبل) افزایش یافته است.

اعتصاب ۱۵۵۰۰ نفر از کارکنان کنترل پرواز فرودگاههای آمریکا که از ۱۲ مرداد (۱۳ و ۱۴) آغاز گردیده است تازه ترین حرکت اعتصابی در آمریکا است که انعکاس جهانی یافته است.

این اعتصاب یکپارچه هم از جهت دامنه و وسعت آن و تاثیراتی که در وضع اقتصادی آمریکا گذاشته و همچنین برخورد خضونت آمیز دولت ریگان در قبال اعتصابیون حائز اهمیت است و هم از جهت همبستگی بین المللی در نوع خود بی نظیر بوده است.

اعتصاب کارکنان سازمان کنترل پرواز فرودگاههای آمریکا که بخاطر تا مین ۳۲ ساعت کار در هفته، تا مین مزایای بهتر بازنشستگی و اضافه شدن تقریباً ۲۰ درصد حقوقشان پس از یک سری مذاکرات طولانی انجام گرفت ترافیک هوایی آمریکا رافلج کرد. اثرات فوری اعتصاب این بود که بلافاصله نسیمی از ۱۴ هزار پرواز خطوط تجارتنی آمریکا متوقف شد. این اعتصاب با وجود حکم اخراج های دسته جمعی توسط ریگان و احکام جلب توسط قضات داد - گاههای فدرال و دستگیری چندین از رهبران آنان تاکنون (که دو هفته از آن میگذرد) ادامه دارد. اثرات این اعتصاب با وجود تمهیداتی که دولت در بکارگیری نظامیان در کنترل پرواز - ها انجام داد بسیار وسیع و عمیق بوده است.

در اثر اعتصاب سازمان هواپیمائی فدرال آمریکا تصمیم گرفت از ۱۹ مرداد (۱۰ و ۱۱) موقتا "تمام پروازهای خود را از ۶ فرودگاه آمریکا به مقصد اروپا - لغو کند. این تصمیم بدستال خودداری - کارکنان ترافیک هوایی کانادا از انجام وظیفه در مورد پروازهای آمریکا بر فراز اقیانوس اطلس اتخاذ شده

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش سراسر جهان

ارتجاع فرهنگی تکراری می‌کند

هنوز کفن سانسورها هنشاهی درگور نیوسیده است که زما مداران جمهوری اسلامی به دنبال انواع ناخوتنازهای کوناگون به عرصه‌های مختلف تفکسر، هنر و ادب می‌کوشند یا ردیگر تمام آن دستگاہ جهنمی را به کار اندازند و این بار زیر لوای شرعی اسلامی، پس از حمله به دانشگاه‌ها و بستن آنها به بهانه انقلاب فرهنگی، پس از حمله به روزنامه‌ها و سایر به تعطیل آنها، پس از غیرقانونی اعلام کردن نشریات انقلابی و صدها اقدام تند فرهنگی دیگر، اینک دستگاہ وزرات - ارشاد به فکر افتاده است که لایحه‌ای برای "تنظیم و تنسیق" نشرکتاب تدوین کنند تا با سد بستن بر راه‌آنها عهده اندیشه‌های مترقی، بلکه یک دوروزی بر عمر خویش بیفزاید.

مهندس زنگنه معاون وزیر ارشاد دکه مجری تدوین لایحه نشرکتاب است می‌گوید (به درستی توضیح میدهد) که این عمل مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی است و بنابر آن نشریات و کتبی که "مخل مانندی" اسلام نباشند مجاز به انتشار هستند. (این همان قانون اساسی با اصطلاح مترقی ضد امپریالیستی-دمکراتیکی است که توده‌ای - اکثریتی‌ها عاشق سینه چاک آن هستند)، تنها مانع کار وزارت ارشاد تعیین آن است که چه چیزهایی مختل مباحی اسلام است و برای این کار به فقهای عالیقدر رجوع شده است تا با گنجاندن فتاوی آنان در متن لایحه، کار سانسور مطبوعات قانوناً "عملاً" آغاز شود.

اما از هم اکنون پیدا است که پاسخ مراجع فقیه چه خواهد بود: هر چه جز اسلام، باطل است، هر تفرکی جز اسلام، مفسد است و باید از نشر آن جلوگیری و هم‌اکنون نیز مطابق همین فتاوی ابراز شده عمل می‌شود، زیرا دیده‌ایم شنیده‌ایم و می‌خواهیم که به کتاب فروش‌ها، چاپخانه‌ها و خانه‌ها حمله می‌رند و هر چه جز اسلام بیا بند، با خود می‌برند و یا در محفل میسوزانند. خاطره، کتاب سوزان‌های جمهوری اسلامی هنوز زنده است و هم‌اکنون نیز در روزنامه‌ها اعلام میکنند که در فلان خانه تیمی، تعدادی کتب ضالیه یافته اند. (روش‌ها و اصطلاحات عیناً از دوران شاهنشاهی اقتباس می‌شود) و با شهربانی، به دنبال تهدیدات رئیس مجلس، مظفران اعلام میکنند که در کیف یک رهگذر تعدادی کتاب ضالیه و ۴ نوار شریعتی یافته است.

با توجه به این شواهد و رویه‌ها معلوم است که مقامات وزارت ارشاد می‌خواهند برای عملیات سانسورگرانه خود مجوز قانونی پیدا کنند و الا در عمل به آنچه بدان معتقدند، یعنی ممنوعیت آثار هرگونه تفکر و عقیده غیر اسلامی، چه رسد به ضد اسلامی، اقدام می‌کنند و تنها مانعی که در برابر خود دارند، مقابله و مبارزه توده‌های مردم است که گیسنه از بنده‌های بنیاده در صفحه ۱۱

مشروطیت مشروعه و جمهوری اسلامی

۱۴ مرداد، سالروز مشروطه بود. در این باره همه دستگاہ‌های سخن پراکنی (دروغ و تزویر) رژیم خاموش ماندند. مجلس شورای اسلامی با سکوت خود نشان داد بیگانگی خود را از انقلاب مشروطه، و همبستگی تاریخی خود را با مشروعه‌خواهان مرتجع و درباری. انقلاب مشروطه علیه استبداد (و اشرافیت زمیندارها می‌آن جهت گیری کرده، و به مشروطه دست یافت، یعنی به مجلس شورای ملی، قانون اساسی و دربریک کلام به دموکراسی سیاسی که نیا ز فوری طبقات انقلابی هم بود و با زمانه‌دهی و آگاهی انقلابی توده‌ها را میسر کرد. مرتجعین، یعنی دربار، خوانین و اکثر روحانیون، که تخته بند استبداد مطلق وستم و بر دگی قرون وسطایی بودند، خواستند که مشروعه را در کنار مشروطه

بگذارند، تا بدین تیرنگ همه دستاوردهای دموکراتیک را با زین گبوند و ظلمت وجهالت کهن را با ابقا کنند. در حالیکه مشروطه خود به معنی جدایی دین از دولت است و نخستین مجلس مشروطه هم اصل آزادی مذهب را اعلام داشت و استبداد مذهبی را، از جمله در قوه قضائیه، منسوخ کرد. و فریاد سید تقوی‌ها هم که "این حرف‌ها مثل لوابج کفری است که منکرین از لسان مجلس طلبان در میان مردم منتشر میکنند" به جانی نرسید.

جمهوری اسلامی، که بدرستی نفی جمهوریت است، از این کینه تاریخی رها نگشته است. با زیر پا گذاشتن نخستین اصول دموکراسی حتی بشری، سفاکی و اقتدار خود را در پس جمهوری پنهان کرده است. بی شک این توده‌های انقلابی مردم - اندک بهرچم انقلاب مشروطه را بدوش می‌کنند، با خواست‌شان برای جدایی دین و دولت، دموکراسی سیاسی و انقلاب ارضی در عین حال که شرایط تاریخی جدید، وظیفه انقلاب پرولتری، یعنی رهبری طبقه کارگر برای درهم شکستن ماشین دولت بورژوازی، و نابودی سلطه امپریالیستی را در دستور قرار داده است. بدین سان، خلق انقلابی است که صدقاً نه سالروز مشروطه را جشن می‌گیرد و آن را، بمنزله روز مبارزه علیه تبه‌کاری - ها، جنایات و ظلم، به طبقات حاکم خاطر نشان می‌کند.

پرسنل شهربانی به روی مردم شلیک نمی‌کنند

این روزها پرسنل شهربانی زیر شدیدترین فشارها از جانب حاکمیت قرار دارند. رژیم از آنها میخواهد که سلاحهایشان را همچون پاسداران سرمایه به فلب نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش نشانه روند و در سرکوبها، کشتارها، شکنجه‌ها و اعدامها و جاسوسیها مشارکت داشته باشند و همچون مزدوران فالانژ و کمبیتچی‌ها، نقش ساواک را ایفا نمایند. در این رابطه‌ها کمی رفسنجانی در هفته گذشته، بدنبال اعدام انقلابی آیت، خطاب به پرسنل شهربانی آنان را تدبیراً "مورد تهدید قرار داد" و از آنان رسماً "خواستار همکاری در سرکوبها شد. او با مقایسه شرایط کنونی با زمان شاه و نقش پرسنل شهربانی، آنان را مورد سوال قرار داد که چرا در رژیم گذشته، خدمتگزار رژیم بوده‌اید و در شتابانی و دستگیری انقلابیون - شرکت داشته‌اید اما اکنون هیچگونه همکاری با رژیم جانشین شاه بعمل نمی‌آورید.

او گفت که در رژیم گذشته چگونه از پاساها وحشت داشته و توسط آنان تحت کنترل بوده است، و اگر چه بدرستی سرکوبهای کنونی را با سرکوبهای شاهنشاهی مقایسه کرد، اما حاققت او در اینجا است که از پرسنل شهربانی می‌خواهد که آزموده را دوباره بیازمایند. اما پرسنل شهربانی اگر یکبار در رژیم گذشته، ناآگاهانه خدمتگزار رژیم سرمایه داران و رژیم دشمن خلقها و زحمتکشان و انقلابیون بوده‌اند، اکنون با کسب تجارب ارزشمند از قیام خونین بهمن ۵۷ و کسب آگاهی در تشخیص دوستان و دشمنان خلق، دیگر حاضر نیستند در خدمت حاکمیت ضد خلقی قرار گیرند و بر

روی فرزندان خلق آتش بگشایند. آنان طعم تلخ دشمنی با مردم را چشیده‌اند و در تجربه عملی خود آموخته‌اند که دشمنی با نیروهای انقلابی، همانا دشمنی با خلق است. و به همین دلیل دیگر چاره‌ای اطاعت کورکورانه از فرامین حاکم بقدرت خریدار نیستند. آنان در رژیم گذشته همواره کینه و نفرت مردم را نسبت بخود احساس کرده بودند و نمی‌خواهند شرایط گذشته تکرار شود. آنان بدرستی دریا فته‌اند که رژیم‌کنونی نه تنها تمامی دستاوردهای قیام خونین خلق را به سرعت به‌تازگی گشاده است، بلکه اکنون درست بهمان شیوه‌های "ریسمانی" هرگونه اعتراض را با گلوله و شکنجه پاسخ می‌گوید، کارگران را دسته‌دسته روانه زندانها می‌سازد، شوراها را با در هم شکسته و با بی محتواساخته است. تا کنون دهقانان و سایر زحمتکشان به هیچیک از خواسته‌های خود ناطل نگشته‌اند و در عوض تجار و محترکریمن مکتبی هر روز بیش از پیش جیبهای گشادشان از استعمار خلق انباشته تر می‌گردد. فشارگرانی و بیکاری و نبود مسکن و بهداشت و... پیدا میکنند و توده‌های شهربانی نیز با گوشه‌تاز و پوست خود این فشارها را احساس میکنند و همچون سایر مردم زحمتکش ما با تمامی این مشکلات دست به‌گریبانند و آینده‌ای نه چندان دور شاهدان خواهیم بود که اینبار توده‌های شهربانی نه در مقابل مردم که در شاد دوش مردم و سینه در خدمت رژیم که در مقابلها رژیم‌کنونی بپا خواهند خاست و همراه با همه کارگران و زحمتکشان با ط ستم و استعمار را درهم خواهند شکست.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



بالتصویب مجلس، مقررات ضد انسانی و ارتجاعی قصاص و حدود، رسماً در دادگاهها بمورد اجرا گذاشته شد.

فانونی ۳ شکل خواهد داشت. که در این مورد کمیسیون قضائی مجلس راه حیل ساده‌ای برای این مشکل پیدا کرد که با گذاشتن کلمات ترجمه فارسی در جلوی کلمه رساله تحریر الوسیله مسئله را حل می‌کنیم، که اینکار هم در مجلس انجام گرفت و بتصویب رسید و این "شکل هم" رفع گردید!

مادرشاره‌های قبل به تفصیل مقررات بغایت ارتجاعی قصاص و حدود شرعی را تشریح کردیم و نشان دادیم که این مقررات جامعه را بدوران بربریت قرون وسطائی و سیستم قبیله‌ای میبرد. اما قابل توجه است اما فقه‌کنیم که در لایحه فانونی قصاصی که توسط شورا عالی قضائی تنظیم شده بود، سعی گردیده بود مقررات قصاص و حدود را تا اندازه‌ای در فرم فانونی و تعدیل شده‌ای مطرح کرده و در باره‌ای موارد، بخصوص در مورد اقلیت‌های مذهبی به سکوت برگزار شود که اینک با رجوع دادن به رساله "تحریر الوسیله" دیگر کلمه مقررات قصاص و حدود کاملاً مویسوم اجرا خواهد شد. باین ترتیب ملاحظه می‌شود است رژیم ضد خلقی که از موقعیت اختناق فانونی استفاده کرده و هر چه اقدامات ضد خلقی در جنته‌ها در پیاده کند، بمورد اجرا گذاشته می‌شود. ما کوشش می‌کنیم در آینده نکات اساسی رساله "تحریر الوسیله" را مورد بررسی قرار دهیم.

بالاخره علیرغم مخالفت‌های گسترده مردم با لایحه قصاص، مجلس شورای اسلامی در جوار اختناق و سرکوب شدن واعدا میهای دسته دسته انقلابیون و دستگیری هزاران مبارز، با یک کلک فانونی، مقررات قصاص و حدود و دیات را بتصویب رساند. باین ترتیب که بموجب ماده ۲ "طرح فانونی الحاق دادگاههای انقلاب بمادگستری" به دادگاههای انقلاب اختیار داده شده است که مقررات قصاص و حدود شرعی را - تماماً و بدون کم و کاست، آنطوریکه در رساله آیت الله خمینی آمده، اجرا کنند. ماده ۲ طرح چنین است: "به دادگاههای انقلاب اجازه داده میشود که در موارد - حدود و قصاص و دیات بر طبق رساله تحریر الوسیله، امام خمینی عمل نمایند و حکم قصاص را صادر کنند. باین ترتیب زمره - آنگاه از مدت‌ها پیش سکوت می‌رسید (وما در مقالات راجع به قصاص بآن اشاره - کردیم) که چون مقررات قصاص و حدود جزئی از رساله علمیه است و لذا احتیاج به تصویب مجلس ندارد، بواقعیّت رسید و مجلس بدون اینکه خود را گرفتار تصویب ماده به ماده لایحه قصاص کند، با این - نگرده مقررات قصاص را تصویب کرد. - البته اخیراً "شورای نگهبان" باین ماده از این نظر ایراد گرفته بود که چون طبق قانون اساسی باید قوانین بزبان فارسی یا شوازی آنجا که رساله "تحریر الوسیله" بزبان عربی است، از نظر

مقدمات کودتای ۲۸ مرداد

بقیه از صفحه ۶

سیاست اتحاد جماهیر شوروی در دفاع از حقوق رنجبران "حقوق ملل ستمدیده" در ارتقاء دژ مشی حزب توده نوشتیم با حزب توده "هیچ گاه عداوت و دشمنی نداریم". سال‌ها "در کنار هم" علیه دیکتاتورانی مبارزه کرده‌ایم. اما امروز می‌پرسیم: آیا "اعمال آنان با ما منافه حزبی بگذره موافقت دارد؟" (شماره ۲۲/۸/۹). و بآ "آزادی خواهی به عمل است نه به حرف. آقا بآن کاری نکنید که مردم را از خود برانید. هرگز با شما در جریانات موافقت نکرد، فاشیست است. این رفتار شما برای ملت و مملکت خطر بسیار دارد". (شماره ۲۳/۸/۱). توقع "زحمتکشان" و "ستمدیدگان" از ما منافه با شوروی عبارت است از "اعتقاد و علاقه خلل ناپذیر به آزادی و پیروزی یکدیگر، احترام عمیق به منافع و حقوق یکدیگر، نداشتن چشم طمع به حاصل دسترسج یکدیگر و کمک بیدریغ برای پیشرفت همه زحمتکشان و ستمدیدگان به سوی آزادی و ترقی". (هما نجا).

مصدق هادولت را بدان گشاندند، در افکار عمومی توجه بپذیر نمود. دکتر رادمنش می‌گفت: اگر این دولت با عهد "ننواند" موازنه بین دولت‌ها را حفظ کند "با بدبرود". ما "دولتی سرکار می‌آوریم که موازنه سیاسی مملکت را حفظ نماید و اگر این کار نشود، مسئولین موردانند فردا هر پیش آمدی شد، مسئول آنها هستند" (گذشته چراغ راه آینده است ص ۲۱۲)

دکتر مصدق در نامه‌های گله آمیز، در ۲۲ اسفند ۱۳۲۲ نوشت: "راجع به نفقت شمال، که اینکارها رولمانی این جانب موجب بدبینی و دل‌تنگی ما مورسین اتحاد جماهیر شوروی گردید، من همان نظری را ارائه دادم که فراکسیون حزب توده در جلسه ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ ارائه داده بود و جز این نگفتم که ما نیز "با دادن - امتیازات به دولت‌های خارجی بطور کلی مخالفتیم". (هما نجا، ص ۲۱۰)

روزنامه "باخترا" امروز "به سردبیری دکتر فاطمی که بعدها وزیر امور خارجه مصدق شد، ضمن بزرگداشت و تحلیل از

ادامه دارد.

صلاحیت "نماینده‌گی" نماینده‌انزلی

گفتگوهای که میان نمایندگان مجلس بر سر تصویب اعتبارنامه آقای - بورگل، با صلاحیت نماینده، مردم بندر انزلی صورت گرفت، به خوبی رسوائی انتخابات میان دوره‌ای اخیر و واقعیت جاشدن توده‌های مردم از حکومت را عیان می‌کند. به گفته یکی از نمایندگان (مندرچ در کیهان ۲۳ مرداد ۶۰) انزلی ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد و فقط ۵۵ هزار نفر در رای گیری شرکت می‌کنند و ایشان (آقای بورگل) با ۴ هزار رای - انتخاب شده اند و این درست نیست. ... شرکت کردن این تعداد از مردم در انتخابات در شان مجلس نیست و مردم بندر انزلی انتظار دارند تا در یک جوار از دستمایه خود را انتخاب کنند.

و عزت اله سبحانه می‌نماید: دیگر می‌گوید: "از یک شهر ۱۵۰ هزار نفری، ۵ هزار و ۵۵ نفر شرکت میکنند و ۴۸۰۰ نفر به بورگل رای می‌دهند. آیا ایشان می‌توانند با این تعداد رای ادعا کنند که نماینده مردم شهر انزلی هستند؟"

حقیقت ما جرایم باظهار همین با صلاحیت نمایندگان مجلس این است که از سگانند بیدای نمایندگان یکی به نفع بورگل کنار رفت و دیگری کاندیدای حزب سوسیالیست بود که نمی‌توانست به عنوان رقیب ... مطرح باشد" (به زعم ایشان به خاطر "سوسیالیست بودن، ولی در واقع به علت این که اصولاً" از حزب الهی ها و موعوب شدگان کسی در انتخابات شرکت نکرد) و جالبتر از همه این که میداند نیم در انتخابات قبلی شخصی به نام مسیحیانی از هواداران - مجاهدین انتخاب شده بود که درست به همین دلیل (!) اعتبارنامه اش به تصویب نرسید، (به قول بورگل وی با عنا صر کفرو التناظ در رابطه بوده!) و با سخ مردم به این انتخابات فرمایشی، تحریم واقعی آن بود.

باین حال با وجود مفتضح بودن جریانات انتخابات و تعداد آرای این شخص، مجلس شورای اسلامی برای دهن کجی به رای واقعی مردم، برای صلاحیت وی دادنا و این توان بفرای برنا صه انتخاباتی خود در جهت مبارزه با این همه فساد دکنار دریا (!!) و جیبی ها "در کنار سایر برادران مکتبی خویش" ایستادگی کند.

ارتجاع فرهنگی

بقیه از صفحه ۱۰

اسارت اندیشه، شاهنشاهی، به هیبت روی حاضر نیستند در زندان اندیشه‌های ضد علمی محبوب باشند، خلق، به هیبت گسستن از این بندرانگران پرداخته است و برای دفاع از آزادی‌های - دموکراتیک، چنان که هم اکنون نشان می‌دهد، تا پای جان می‌ایستد و نخواهد گذاشت بساط استبداد فکری گسترده - باشد.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

اعتصاب کارکنان کنترل ...

بشمه از صفحه ۹

مختلف بعمل آمد. در ۱۷ مرداد (۸ اوت) سازمان شوروی کارکنان ترافیک انگلستان را از اعضای خود خواست تا از هدایت هواپیماها به حریم هوایی آمریکا که در شرایط نا امن بر میسر بود - خودداری نمایند.

در روز ۱۸ مرداد بزرگترین سندیکای کارکنان ترافیک هوایی فرانسه نیز از اعضاء خود خواست تا به حمایت از اعتصاب همکاران آمریکایی خود از - هدایت هواپیماها به آمریکا خودداری کنند. این سندیکا همچنین دستور داد از ورود هواپیماهایی که قصد پرواز به آمریکا را دارند به حریم هوایی فرانسه جلوگیری خواهند کرد.

همچنین کارکنان برجهای مراقبت فنلاند، سوئیس، زلاند جدید، نیبال رای کبری اعلام کردند که از هدایت هواپیماها به حریم هوایی آمریکا خودداری خواهند کرد. همچنین کارکنان برجهای مراقبت ونزوئلا و استرالیا نیز به همکاران خود پیوستند.

در ۱۹ مرداد اتحادیه کارکنان برجهای مراقبت هوایی کانادا اعلام کرد که اعضاء دیگر جز در مواقع اضطراری از اقدام در مورد پرواز هواپیماهایی که از آمریکا به این کشور قصد پرواز دارند خودداری میکنند و این امر از بعد از ظهر ۱۵ اوت به مرحله اجرا درآمد.

یکی از بزرگترین سازمانهای کارگری زاین حمایت خود را نسبت به اعتصاب کارکنان برجهای مراقبت هوایی آمریکا اعلام کرد و طی تلگرافی از رونا لدریکان خواست تا از طریق یک راه حل مسالمت آمیز با این امر خاتمه دهد.

در ۲۱ مرداد گفته شد که با پیوستن بخش کارمندان کنترل هوایی کانادا انتظار می رود قسمت عمده ای از پروازها لغو و بنا خیر افتد. کنترل کنندگان ترافیک هوایی کانادا در درگاه کانادا بر بخش اعظم پروازهای بین کانادا و آمریکا نظارت دارند همچنان از انجام تشریفات هواپیماهایی که از ماز آمریکا هستند خودداری می کنند.

کارمندان بخش کنترل هوایی در کشورهای استرالیا و زلاند نیوزیلند حمایت از خواسته های همکاران خود از انجام تشریفات هوایی به مقصد آمریکا خودداری کردند.

اتحادیه کنترل کنندگان ترافیک هوایی جمهوری فدرال آلمان نیز ضمن پشتیبانی از اعتصاب کنندگان علیه اقدامات دولت ریگان که میکوشد اعتبار اتحادیه کنترل ترافیک هوایی را سرکوب کند اعتراض کرده و ضمن تلگرافی به رئیس جمهور آمریکا روشهای ارباب و توقیر رهبران اتحادیه را محکوم نمودند و با لایحه کارکنان کنترل هوایی اسپانیا و بریتانیا با اعتنای بیون اعلام همبستگی نمودند. در خود آمریکا رئیس اتحادیه فدراسیون کارگری آمریکا در شیکاگو به فشارهای اقتصادی دولت علیه ما مورین کنترل هوایی اعتراض کرد. وی همچنین اعلام کرد که با طاعتراض به سیاست دولت ریگان یک راه بیما نیی بزرگ در ۱۹ سپتامبر سوسله کارگران و کارمندان دولتی انجام خواهد شد. در ایران نیز کارکنان هواپیمایی انجمنهای اسلامی کار خانات سراسر کشور، که کاملاً

بشمه از صفحه ۱

از این امامزاده هم معجزه های ساخته نیست

چنانچه از سوز و آری توانسته است با فائق آمدن بر تضادهای درونی بالایش و سرکوب توده ها بحران قدرت را بطور اخی و بحران سیاسی را بطور اعم حل کند اما موفقیت این امر همیشه محتاج به پیش شرط هایی بوده است که نخستین شرط آن، انجام فوری رفرمهای اقتصادی، تعدیل بحران اقتصادی و توانائی در مهار کردن بحران سیاسی است. اما آیا حزب جمهوری اسلامی و کابینه کنونی آن قادر است، چنین رسالتی را بر دوش گیرد؟

ترکیب کابینه با هنر نشان میدهد، که این روشها و گردانندگان اهرمهای اجرائی، به وجهه قدرتمندی اقتصادی که نزدیک به ۵ سال در یک بحران همه جانبه گرفتار است، سروا مانی بدهند، و نه در شرایط یک جنگ داخلی و خارجی، در شرایط بی اعتمادی توده ها به حاکمیت در جهت حل بحران سیاسی گام بردارند. ترکیب کابینه که به خوبی ماهیت ارتجاعی آن را نشان میدهد، از میان افرادی ترین نیروهای دست راستی انتخاب شده است. در میان آنها میتوان چهره های سرشناسی که رهبری باندهای سیاه را بعهده دارند، نظیر معاد دیخواه، پیروش و غرضی را مشاهده کرد. هدف این کابینه جز برقراری اختناق و سرکوب چیز دیگری نیست. به عبارتی میتوان کابینه آقای باهنر را کابینه فئودرکوب نامید. این معیارگزینش اعضاء کابینه بوده است. اما همانگونه که پیش از این گفتیم هیچ فئودرکوبی بنتهایی قدر نیست تضادهای راکه مستقل از اراده و شعور آنها و تحت تاثیر شرایط مادی جامعه و وضعیت اقتصادی توده ها عمل میکنند، از میان بردارد. بلکه بالعکس به بحران سیاسی موجودا من خواهد زد.

در ترکیب کابینه یک مسئله دیگر نیز جلب توجه میکند و آن انتصاب آقای عسگر اولادی چهره شناخته شده مدافع تجاری بازار است که در سمت وزیر بازرگانی قرار گرفته است. این امر بدان معناست که سوا اینکه کابینه با هنر در کلیت خود بی تاثیر بر سلطه سیاسی بورژوازی تجاری است، با انتخاب عسگر اولادی بعنوان وزیر بازرگانی، تجاری را نمیتوانند مطمئن باشند، تا زمانیکه این کابینه بر سر کار است، منافع اقتصادی محتکران و بازرگانان بنحواکمل حفظ خواهد شد و سودهای کلانی بقیامت خانه خرابی توده ها به جیب تجاری بازار بر خواهد شد.

که از مدتها پیش در درون قدرت حاکمه وجود داشت و منجر به درگیریهای بسیار حاد درونی میشد موقتا "از میان رفتن" است و تضادهای آشکار درونی حاکمیت تعدیل یافته است. تلاش حزب از مدتها پیش در این جهت معطوف بود که بمنظور حل بحران سیاسی بوجود، در اولین گام تضادهای درونی حاکمیت را حل نماید. تعدیل کند، زیرا این تضادهای حاد و برخورد های آشکار درونی حاکمیت زمینه را برای عیان شدن ناراضیهای و اعتراض مردم میدان با فتن مبارزات توده ها فراهم میکرد. از این رو حزب با تلاش در جهت از میان بردن این تضادهای نخستین گام را در جهت حل بحران سیاسی نوسل به سرکوب قهرآمیز توده ها و بسند کردن مبارزات آنها برداشته است. گسر چه بنظر میرسد که حزب در اجرای برنامه های خود موفق شده است، اما عوامل بحران زاکه بحران حکومتی نیز استکس آن محسوب میشود، همچنان بجای خود باقی است. این کیفیت وحدت بحران در بالایش نیست که تعیین کننده ابعاد مبارزه طبقاتی وحدت تضادهای اجتماعی است بلکه بالعکس، این تضاد بحران در بالایش خود استکس و با زتاب رتشد مبارزه طبقاتی وحدت بحرانهای اجتماعی است. بر این اساس نمیتوان ادعا کرد که این تغییر در بالایش قادر باشد جلوی رشد عوامل معینی را سد کند. بحران - اقتصادی همچنان بقوت خود باقی است. و در شرایط مادی زندگی توده ها و عوامل مادی تعیین کننده سطح مبارزات آنها هیچگونه تغییر اساسی صورت نگرفته است. از این گذشته فعل و انفعالات سیاسی اخیر جامعه و تسلط کامل حزب بر ابزارهای قدرت دولتی به چه وجهه معنای حل بحران قدرت نیست. زیرا حل بحران قدرت منوط به اینست که با توجه به سطح و کیفیت مبارزه طبقاتی و تضادهای اجتماعی یک نیرو قوا دریا شد قدرت را در دست خود حفظ کند، و بحیثیت خود ادامه دهد. بر این اساس مجموعه ما نتوانیمهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حزب که همواره به تشدید تضادهای منجر شده است، گواهی است بر این مطلب که حزب جمهوری اسلامی بنا بدلائل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی نمیتواند رسالت حل بحران قدرت را در دست داشته باشد. البته تجربه نشان داده است که در شرایط معینی پس از یکدوران درگیریها و مبارزات حامیان بالایشها و بالیشنها از یکسو و درگیریهای درونی بالایشها

تحت کنترل دولت ضد کارگری و ضد خلقی جمهوری اسلامی است بخاطر کسب وجهه اعلام همبستگی با کارکنان کنترل هوایی آمریکا کرد، در حالیکه بر بسیاری از کارگران آگاه جهان روشن است، که این انجمن های اسلامی ابزارهای سرکوب و تحمیق رژیم جمهوری اسلامی اند، رژیعی که حتی اعتصاب راکه حق مسلم کارگران است، ممنوع کرده است.

بهر حال اعتصاب کارکنان کنترل هوایی آمریکا همچنان ادامه دارد و فشارهای متعدد دولت امپریالیستی، ضد کارگری و جنبانکار ریگان علیه کارکنان

ادامه دارد. گرچه رئیس اتحادیه کنترل ترافیک هوایی آمریکا اظهار داشته است که دوباره مذاکره بین مقامات دولتی با اتحادیه از سر گرفته شود، اما آنچه که در این حرکت بیش از همه از اهمیت ویژه ای برخوردار است همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان و اعتراضات و اعتصابات به پشتیبانی از کارکنان کنترل هوایی آمریکا بود. این امر نشان دهنده اتحاد کارگران و زحمتکشان سراسر جهان علیه خصم مشترک، امپریالیسم جهانی است. سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

وعده‌های قرارداد‌های امپریالیستی یا باقراقراد‌های امپریالیستی

خمینی قبل از تسخیر قدرت وعده‌های بسیاری به توده‌ها داد و بدین طریق اقتدار مختلف خلق را با نیرنگ‌های گوناگون - فریفت و بدنبال خود روانه ساخت. یکی از مهمترین این وعده‌ها که خمینی را قادر ساخت تا شکلی مطمئن بر موج‌ها راه بیفتی و مبارزات توده‌ها را سوار گردد و وعده‌ها مبنی بر رفاه اجتماعی و زندگی اقتصاوی توده‌ها دروغ است. خمینی همواره گوشیده است تا به دروغ اینگونه جلوه‌گر نماید که خلوص قهرمان ایران بخاطر اسلام مبارز است و بخاطر اسلام نیز بدنبال او روانه گشت اما بررسی دقیق سیر و تاریخ و همچنین سخنان خمینی بخوبی نشان میدهد که این خواست‌های مشخص مادی توده‌ها بود که آن را به خیا با آنها کشید و وعده‌ها و وعده‌های خمینی در همین مورد نیز باعث گشت تا بتواند توده‌ها را با انسان بدنبال خود روانه سازد. اگر نه زنجیر مذهب به تنهایی چنین استحکام و قدرتی نداشت.

فشار روزافزون اقتصادی که توده‌ها را به عرضه مبارزه و انداختن خواست‌های مشخص و معینی را نیز پیش پای آنان مینهاد. توده‌های زحمتکش خلق بخواستند تا به غارت وحشیانه سرمایه‌داران وابسته بپایان دهند و کارگران به مبارزه روی آورده‌اند تا استعمار را نابود سازند. این اهداف خواست‌های مشخصی را عیان می‌ساخت.

کارتگران، خواستار افزایش حقوق، بهداشت محیط کار، تأمین بیمه، مساز - نشکنی، بهبود شرایط کار و ۴۰ ساعت کار در هفته بودند، زحمتکشان روستا و دهقانان خواستار اصلاحات ارضی دمکراتیک بودند و در این راه به مبارزه روی آوردند تا زمین - آزان کسان را بشکند و آن کارمندی کنند. تا از یوغ بردگی زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران بدر آیند. تا امکان‌نا - لازم ز قبیل بهداشت و درمان، برق، - اسفالت، آب و اقسام تا سیات برایشان ایجاد گردد... زحمتکشان شهری و ماسپر اقتدار توده‌ها خواستار مهار نمودن دیس تووم، خواستار جلوگیری از گران، خواهان تأمین درمانی، تأمین اجتماعی، خواستار حداقل افزایش دستمزدها، میزان افزایش تورم بودند. زحمتکشان مبارزه کردند تا رفاه اجتماعی بدست آورند. شما می‌توانید - های خلق یکی از خواست‌های اساسی شان که آنان را به مبارزه کشانید تا این مسکن بود. فراوانی نمی‌کنیم که جرقه‌های قیام از مبارزات حاشیه نشینان در مقابل - تخریب خانه‌ها بیانش برخاست و به خرمن خم توده‌ها سرایت کرد.

توده‌ها بخواستند تا گران و بیگاری نا بود گردند تا فقر از میان برود، توده‌ها بخواستند تا با بستگی به امپریالیسم و هر آنچه از آن برمی‌خیزد، تا غارت و استعمار را نابود سازند. خلق بخواست تا استقلال، کار، مسکن و آزادی بدست آورد و زنجیرهای فقر و فلاکت و بی خانمانی را از پای خود بدور افکند.

خمینی به تمام این خواست‌ها واقف بود و بدین ترتیب نیز میدانست که چه او چه کس دیگر هرگاه بدخواهد سوار بر موج مبارزات توده‌ها گردد باید به خواست‌های ملموس و

عینی آنان پاسخ گوید. و از اینرو به دادن وعده‌ها و وعده‌ها و فراوان در مورد زندگی مادی و دنیوی توده‌ها برخاست. او وعده - برآورده کردن تمامی خواست‌های مادی توده‌ها را داد و فقط بدین طریق بود که توانست بر مبارزات خلق مهار زد و آنرا به خدمت خود درآورد.

تنها کافیت در چند مورد به وعده‌های خمینی توجه کنیم و به مفاصل آنان بسا عملکردها پیش از قبضه قدرت بپردازیم تا بیش از پیش چهره واقعی و ضد مردمی او برای توده‌ها روشن گردد.

خمینی قبل از بدست گیری قدرت - و حتی پس از آن - فریاد‌های بسیاری بر فدا بستگی نظامی به "شیطان بزرگ سرداد" خمینی وعده‌های بسیاری داد که دیگر تسلیمات امپریالیستی به ایران سرازیر نخواهد گشت و دیگر پول نفت و سایر برادران مد های مبتنی بر دسترنج زحمتکشان به پای فاش تووم ننگ و توپ ریخته نخواهد شد.

خمینی گفت: "این خیلی عجیب است که آنها (یعنی امپریالیست‌ها) بایگانه برای خودشان درست می‌کنند و بعد هم ما با پیس خرجش را بدهیم، ما اسلحه نمی‌خواهیم، ما که نمی‌توانیم یا آمریکا و شوروی جنگ کنیم" - (۲۳/مهر/۵۷) و "اسلحه‌ها را که آمریکا در ازای نفت می‌دهد قابل استفاده مانیت و بر ضد ملت بکار نمی‌رود" (۱۴ آذر ۵۷) خمینی که میدانست قرارداد‌های نظامی شاه با امپریالیست‌ها رسوا و در نزد توده‌ها منفور است حتی وعده لغو آن را نیز داد.

سؤال: قرارداد‌های نظامی به مبلغ ۲۰ میلیارد دلار بین ایران و آمریکا است، اگر چنانچه دولت شما بر سر کار آید شما با این قرارداد‌ها چه خواهد کرد؟ "جواب: این قرارداد‌ها برخلاف مصالح منکلت ما بوده است یکی از جنبه‌های آنی که شاه به ما کرده این است که ما این طور قرارداد‌ها می‌بندیم که برخلاف مصالح ملت ما و منکلت ما بوده کرده است. ما برای کلیه قرارداد‌ها می‌بندیم که برخلاف مصالح ملت ما باشد رژی قابل نیستیم" (مباحثه با تلویزیون سی - سی - اس - آمریکا؟ آذر ۵۷) اما خمینی چه کرد؟ او پس از قبضه قدرت تمامی این سخنان را - چون دیگر سخنانش - به فراوانی سیرد. حتی یک - قرارداد نظامی ایران و آمریکا افشاء - گشت. و بدین طریق آیت الله خمینی همان گونه که در این بطور ضمنی قول داده بود را زنگه‌دار خوبی برای امپریالیست‌ها گشت. در عین حال بسیاری قرارداد‌های - نظامی با امپریالیسم لغو نشد، بخاطر - بیا و بریم که با زرگان این سرمایه‌دار رک و راست چگونه در افتا گریه‌های خود در مجلس که البته در دفاع از خیانتهایش انجام می‌گرفت. تصریح کرد که خرید و با بل بدگی از امپریالیست‌ها توسط ارتش و دولت موجب با تصویب مستقیم خمینی صورت گرفته است.

در عین حال پنهان کاری و خرید و مخفیانه تسلیمات و لوازم بدگی نظامی تنها تا شروع جنگ ادامه یافت و پس از آن رژیم خمینی علناً "به خرید و قیحا نه تسلیمات امپریالیستی پرداخت که آخرین رسوایی آن پس از زردی ۵۶ میلیون دلار، همانا -

هوایمای مزبور! آرزو ننتینی بود. بهر رو خمینی نیز پس از شاه پول نفت و دسترنج خلق ما را برخلاف وعده‌ها پیش در قبال اسلحه‌های امپریالیستی که قبلاً می‌گفت قابل استفاده ما نیست - می‌پردازد و تنها گاهی اوقات تفاوت مختصری در این مورد اجرا می‌شود و آن اینکه خمینی و سران رژیم جمهوری، مبالغ هنگفتی را نیز به جیب دلالت‌های بین المللی سرازیر می‌کنند و قطعات و تسلیمات را به چند برابر قیمت از دلالت‌ها و با زارهای "آزاد" امپریالیستی خریداری می‌نمایند. تنها سخنی که در این مورد خمینی بدستی گفت و بر آن نیسز استوار است این بود که "اسلحه‌هایی که آمریکا در ازای نفت به ما میدهد... بر ضد ملت بکار نمی‌رود" این با بر جانی خمینی بر وعده‌ها را کشتارهای بی‌مان رژیم سرکوب و ترور در تمام نقاط ایران و در مورد تمام می‌خلقیها ثابت میکند.

خمینی چنین وعده‌ها بی را در مورد - تمام می‌قرارداد‌های اسارت‌ها امپریالیستی نیز داد و گفت "ما هر قرارداد دیگری که به ضرر ایران باشد به نفع ایران لغو خواهیم کرد... (مما حیدر با خبرنگاران خا رچی ۱۵ آبان ۵۷) که بدین عمل چگونه به تمدید و تشدید این قرارداد‌های اسارت‌ها رحتی در سلطوح بسیار رسوایی انجام مید. دیدیم چگونه قرارداد‌های پترو شیمی با ژاپن و مترو با فرانسه و قرارداد‌های بسیار نظیر تا لیوت با انگلیس تمدید گشت و حتی مذاکراتی نیز در مورد تمدید قرارداد در اکثرهای اتمی صورت گرفت.

خمینی در مورد اقتصا دهمواره وعده می‌داد که اقتصا دی با سازی شده در جمهوری اسلامی شاهد خواهد بود. اقتصا دی که با تأمین صنایع ما درونکا - به خودود - بی نیازی از امپریالیست‌ها مبنی منافع زحمتکشان خواهد بود. اقتصا د خمینی گفت که بود "اوضاع اقتصا دی عوض خواهد شد و یک اقتصا دمحیح و سالم ما عرضه می‌کنیم و الان اینها اقتصا د ما را ورشکست کرده و زمین برده‌اند. اینها خرج‌های کرده‌اند که به خلاف مصالحت بوده است. دزدی‌ها بی‌کرده‌اند که جنایت بوده است... ما تمام اینها را از زمین می‌بریم و اطمینان داریم که دیگر اقتصا دی عقب مانده نخواهیم داشت و به نیازهای مردم محروم ما جواب مثبت خواهد داد" (مباحثه با خبرنگار مصری برای کشورهای شیخ نشین ۲۱ آبان ۵۷) خمینی گفت سیاست صنعتی دولت جمهوری آینده بر اساس ایجاد صنایع پیشیادی و ما در خواهد بود و به طوری که هر گونه وابستگی از زمین برود... منافع مصرف کنندگان ایرانی را مقدم بر هر چیز حفظ خواهیم کرد" (۲۴ - آبان ۵۷) اما حقیقتاً روزنامه‌دنیای سوم (و در دنیا به تازگی گفت "ما برای صنعتی شدن کشور تلاش می‌کنیم و لکن نه صنعت مونتاژ که هم کشور را هر چه بیشتر به اجانب وابسته کرده است و هم کثرت فقیر و محروم را در خدمت منشی ترانندوز منجا و قرار - داده است" (مجله نیور و استر دا ۱۸ آبان ۵۷)

تصور می‌رود در مورد خیانت خمینی

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه دالخلیش

رژیم ضد انقلابی حتی نمیتواند وجود بعضی آثار ظاهری انقلاب را تحمل کند!

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از نظر محتوا تماما دستاورد های قیام شکوهمند بهمین دراز بر پا گذاشت ، نه تنها تمام آزادی های دمکراتیک بدست آمده از بسطن قیام را از مردم گرفت ، نه تنها شورا های انقلابی را منحل کرد و با از محتوای شعی ساخت ، نه تنها کوشش کرد شورا انقلابی توده ها را با قهر ضد انقلابی خود به انفعال کشاند و مبارزات ضد امپریالیستی خلق را با اقدامات فرساینده و حساب شده با موشی کشا ندو جنشش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم را کاملاً مبهکامه قهر کرد ، بلکه به موازات این اعمال کوشش کرده و میکند که از نظر شکل و ظاهر هم دستاورد های قیام مطلق و جنش دمکراتیک را محو و نابود کند .

یکی از حرکت های خود جوش مردم که تبلور خواستها و آرمانها و شور و احساسات انقلابی بود شعارها را بی خود کرده - ها در دوران شاه بطور روزمره در زیر فشار و اختناق بدبوارها مینوشتند : " شاه کفن نفود ، این وطن وطن نشود " ، " شاه بدرند ، ساواکی بی بدرند " ، رهبران مارا مسلح کنید " ، ارتش ضد خلقی نا بود باید گردد " ، برادر ارتشی چرا برادر کنی " ، " ۱۷ شهریور ، ژاله غرق خون شد " ، " اختیار تو کوبی اختیار " ، " فدائی ، مجا هدیبروز است " ، " امروزگانتری عبیدست فدائیان خلق خلق سلاح شد " و ...

این شعارها که تا مقطع قیام کم یاب ترین زبان توده های مباحا خسته و نشاندهنده - پروسه رزیدای بنده حرکت آنها بود تا مدتها پیش از قیام هم زینت بخش دیوارها بود و با اعتلا جنبش آگاهانه ، شعارها و دیگری بآن اضافه شد . گروه های انقلابی برای تعمیق و نهادن و انقلاب شعرا را تا زای بآن اضافه میکردند . شعارها را شعی نظیر " شعار فردائی ، استقلال ، کار ، مسکن ، آزادی " و ... نمونه هائی از این شعارها - ست .

اما همچنان که ضد انقلاب با به های خود را محکم میکرد شعارهای توده ای از دیوارهای محو میگردد و شعارها ، فرما بیستی و دولتی نا سفید کردن دیوارها ، توسط عوامل و مزدوران رژیم ، خطاطی و نقاشی میشد . دیگر این شعارها آن رنگ و جلوه - شعارهای توده ای را که تبلور آرمانها و خواستهای توده ها باشد ، نداشت ، هر چند با رنگهای الوان و با سلیقه بسیار نوشته میشد . همه چیز رنگ حکومتی ، زورکی و تحمیلی میگرفت و از زمین روتنفر مردم پرا برمی انگیزخت . و امروز تنها در کجوه پس کجوه - ست که هنوز بقایای شعارها را می بینیم که بدست توده های مبارزنو نوشته شده بود به همراه شعارهای جدید که نیروهای انقلابی ، دور از چشم موران رژیم نوشته اند ، دیده - میشود . و گرنه در خیابانهای اصلی شعارهای نقاشی شده رنگ و وارنگ ، در مقیاس دهها متری کشیده شده است .

آری ضد انقلاب بدنبال بقیضه کا مسل را دیووتلو یوزبون و تمام روزنا مه ها (یعنی کلیه رسا نه های گروهی) دیوارها را هم تبول خود کرده است . اما گار به همین جا خاتمه نیافت . حرکت ضد انقلاب در همه ابعاد گسترش یافت : مثلاً " در مورد تغییر نام خیابانها و میدانها ، همانطور که بیاید - داریم یکی یکی از جلوه های قیام خود جوش توبه ها و اقدامات توده ای ، عوض کردن نام خیابانها و میدانها بود . مردم با عسوس کردن نامهای شاهنشاهی و متعلق به رژیم

شاه ، نامهای جدیدی که بسیار نگرناستها و آرمانهای خلق ، تجلیل از انقلابیون شهید و شخصیت های مترقی و دمکرات بودی گذاشتند : خیابان انقلاب ، خیابان جمهوری ، میدان آزادی ، بلوار رکتا و رز ، خیابان - صدق ، میدان شهدا ، پارک گل سرخی ، میدان رضا شیدا ، پارک زحمتگان ، خیابان فدائی کوجه سردی ، پارک صدبهرنگی ... حتی پارهای از این نام گذارنها قبل از - سرنگونی شاه انجام گرفته بود . اما بقدرت خردبگان ضد انقلابی که نمیخواستند این حرکت مردمی را که از دل قیام بر خاسته بود ببینند ، از زمان ابتدا شروع به کنترل نام گذارنها کردند . و هنوز چند ماهی نگذشته بود که اسامی چند خیابان و میدان را که مردم گذاشته بودند نامند خیابان فدائی ، کوجه سردی ، پارک گل سرخی و ... را عوض کردند . اما از ترس بی آبرویی و قشار جنشش توده ای جرئت نکردند بقیضه نامها را که مردم بر خیابانها و میدانها گذاشته بودند و دیگر تشبیت شده بود ، عوض کنند .

پس از یورش کودتا گونه حزب جمهوری اسلامی به حقوق و آزادیهای دمکراتیک مردم از ۱۵ خرداد با بیطرف یورش به دست آورد های خلق ، برای شعیب اسامی خیابانها را آغاز زدند و اولین آن تعویض نام خیابان صدق بود . آنها که از مدتها قبل از زمسه تغییر نام رسمی از خیابان راه آیت الله کاشانی میگردد موقراً مفتشتم شده و با

تعویض نام صدق دشمنی خود را با مبارزات شکوهمند ملی شدن نفت در سالهای ۲۹ تا ۳۲ نشان دادند . اما گار با اینجا خاتمه نیافت در روز ۱۷ مرداد در روزنامه ها اطلاع دادند که بنا بر تصمیم وزارت کشور تا مهی ۱۱ خیابان و پارک و میدان تغییر کرد . رژیم با این عمل خود ما هیت کنیتی و ضد خلقی خود را در دشمنی با قهرمانان خلق ، شهدای انقلابی و با زحمتگان بوضوح نشان داد . وقتی میدان رضا شیدا به میدان ۷۲ تبدیل میشد ، این بچه معنی است ؟! آیا این چیزیه معنی نفی مبارزات و دلایر بهای - برادران و خواهرها شیدا ، این مجاهدین خلق است که در سیه ترین دوران رژیم شاه حما سه آنها آفریدند . آیا این چیز نشانگر دروغها و دوروییهای رژیم است که تا کنون ادعا میکند ، " مجاهدین در دوران رژیم شاه انقلابی بودند و چنین و چنان کردند و با منافع خلقی فرق داشتند ! " پس چرا نام - میدان رضا شیدا عوض میشود ؟ وقتی خیابان کریم پور شیرازی بنا میاید ، کمی تغییر میاید بین امریجه معنی است ؟ جز اینکه به جنانیت رژیم شاه و اشراف پهلوی که کریم پور شیرازی این روزنامه نگار مبارز را در زندان موقت شهرانی زنده زنده سوزاندند صحه میگذازد ؟! وقتی پارک صدبهرنگی واقع در نظام آباد ملی را بنا میاید - فذک تغییر میدهد جز اینست که به تعابلات میلیونها ایرانی که به صدبهنوا ن بک توبستند و معلم مترقی و انقلابی ارج میهند دهن کجی کرده است . و با اخره و مهمتر از همه تغییر نام پارک زحمتگان واقع در جنوب غربی تهران بنا میاید رک رضوان بچه معنی است ؟

مردم از دولت می پرسند : شما شی که مدعی هستید حکومت مستضعفان (یعنی زحمتگان) را برقرار کرده اید پس چرا از نام پارک زحمتگان می پرسید ؟! اما واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی برخلاف تمام ادعاهایش آنقدر ضدا کارگر و ضد زحمتگان است که حتی زلفظ زحمتگان

هم وحشت دار و دشمنینوا تدبیرند لفظ زحمتگان را روی یک پارک باشد . درست مثل رضا خان که زلفظ کارگر و وحشت داشت و دستور داده بود این لفظ را از فرهنگ و ادبیات محو کنند . چنانچه وقتی یکی از وزرا در گزارش حضوری خود گفت : اقدامات ما در فلان وبهمنان مورد کارگزاران شاه با عصیانیت گفت : مگر نگفتم کارگر نکوشید و وزیر بیچاره هم جمله خود را تصحیح کرد و اظهار داشت " اقدامات ما عملیه افتاد " و اکنون با ردیگر بنا برینتکراری می شود و حکومت مدعی مستضعفان آنقدر از کارگران و زحمتگان و اوهمه داران که نمی توان تدبیرند حتی اسم یک پارک ، زحمتگان بنا شد .

آری وقتی شعارهای توده ای بر دیوارها رنگ میاید زندو جانی آنها را - های فرمایشی و نقاشی شده حکومتی میگرد و وقتی اسامی برگزیده توسط توده های پارخیابانها ، میدانها و پارکها بدست وزارت کشور مسخر فرمایشی میشوند ، دیگر حتی عقب مانده ترین و متوهم ترین توده ها درک میکنند که انقلاب بدست کارکنان ضد انقلاب نه تنها در محتوا ، بلکه حتی در شکل های ظاهری آن نیز رنگ میاید .

خمینی چه گفت ؟

خمینی چه کرد ؟

بقیه از صفحه ۱۳

در این رابطه توضیحات زیاد نیاز میاید . دیدیم که رژیم جمهوری اسلامی چگونه تمام سعی خود را بر ترسیم و تحکیم بنا میاید - داری وابسته نهاد . چگونه به سرما به داران و امدا دوان را به با زگشت و تشدید استثماتر غیب نموده و چگونه بحران اقتصاد را در این زدو " اکثریت محروم و فقیر را در خدمت مشتکی ثروت اندوز متجا و زقرارد از سوی دیگر منطور خمینی از صنایع صادر و بنیادی را نیز فهمیدیم دیدیم که چگونه قرار دادهای وسیع و همه جانبه ای جهت تا مبن صنایع دارل مثل قرار داد خرید لوازم یکدیگر بیکان در ایبعا ای چندین برابر قرار دادهای شاه و قرار دادهای واردات مواد اولیه کارخانجات ، و ... بسته شد . دیگر سوابق قرار دادهای بی چون تا لموت و صدها قرار داد نظیر آن ، قرار - مرغ و مرغ و شکر و سریشم و ... بسته شده است تا آن حد است که بنا زبه توضیح ندارد .

اما خمینی به این وعده ها نیز بسته نکرده و قول داد نور ما نیز آنهم بطریق مهار زدن بردزدان و غارتگران داخلی و خارجی از بین ببرد چنانچه دست زد ان و غارتگران داخلی و خارجی کوتاه شود ... - مساله ایست ما تصور برای مملکت باقی نخواهد ماند (مصاحبه با روزنامه مدنیای سوم ۲۴ تان ۵۷) اما پس از رسیدن به حکومت شاه دیدیم که نه تنها دست زد ان و غارتگران را نه تنها شد ، نه تنها آنچنان سیاستی پیشه کرد که تجار در یک سال ۱۲۰۰ میلیار در برابر غارت کردند ، بلکه با پیوسته کردن سیاستهای ضد خلقی اقتصاد دی و توری لجام گسیخته را با عت گشت ، آنچنان که در زیر بار گرانی توده های میلیونی به تنگ آمده اند . توری که قیمت اجناس روز بروز افزایش میاید ، توری که دستمزدهای واقعی زحمتگان را بیش از ۴۰٪ کاهش داده - است ، توری که نام سوزگاری عت شده بسیاری از کارگران و زحمتگان ، رنگ میاید و گوشت را فرا موش کشند و در حسرت - خواستهای اولیه خود میاید .

ادامه دارد .



پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک (۳)

دموکراسی و دیکتاتوری در جوامع سرمایه داری وابسته

در حاشیه نطق خمینی

در تاریخ ۱۹ مرداد ماه

خمینی در سخنرانی ۱۹ مرداد ماه خود که در حضور انجمن اسلامی شرکت واحد و دانشجویان خاراچ زکهور انجام شد، بیست و نجاتاً «فشار گران» و «ظریفانه» اشاره نمود - **لازم** آمد به ذکر آنها بپردازیم.

خمینی در مورد انقلاب و ثمراتش می گوید انقلاب ایران «یک انقلابی بوده است که ثمراتش زیاده و چشمگیریا بیاض نسبت به ثمراتش کم» در مورد ثمرات زیاده و چشمگیر انقلاب بحثی نمیتوان داشت مسلم روشن است که ۱۲۰۰ میلیون دلار، فرار آید دهای کلان تسلیحاتی، سوده های سرمایه و صنعتگری و سرمایه داران و... همه ثمرات زیاد و چشم-گیری است که به جیب سرمایه داران، زمین داران و سران حکومتی رفته و خمینی آن سخن میراند، اما آنگاه که بی شمارانه، هزاران شهید خلق کرد، هزاران شهید خلق های ترکمن و عرب و بلوچ، هزاران کشته جنگ ارتجاعی، میلیونها آواره، میلیونها ردها دلار خسارت، نابودی صنایع، نزدیک به هزاران عدا می در کمتر از دو ماه، هزاران زندانی سیاسی، خاتوا ده های -

دا غدار، میلیونها بیکار، فقر و فلاکت و حشاکت نموده ها و... همه و همه «فا بیعات کم» تا میبد می شود با بد خدا را شکر بیسار کرد که فا بیعات زیاده خمینی و رژیمش را نصب ملت ما نکرد.

خمینی میگوید «هی میگفتند اختناق است، کواختناق، حرقش را می میزدید، هی میگفتند اختناق است ایران چطور است چما قدر دارند فلان... گویی خمینی با این سخنان، خود رژیم جمهوری اسلامی را به ریشخند گرفته است. خمینی درست در لحظه ای سخن را میگوید که صدای گبار مسلسلهای دژخیمان در فضای زندانهای کشور، لطمه ای قطع نمی کرد و در هرب ستاره های دیگری از آسمان سرخ انقلاب ایران به زیر کشیده می شوند. در لحظه ای که توده های حکومت نظامی رژیم اختناق و سرکوب راه عربیان ترین و قبیحانه ترین شکل خود در خیابانها و محلات می بینند. در لحظه ای که مردمی در خانه های خود ایمن نیستند ساواک و ضامن با زسازی شده و تفتیش عقاید با سوسو و تعقیب و مراقبت و استراق سمع تلفنهای و... همه و همه در ایضا دو سیم - انجا می گیرند و در لحظه ای که خودش مردم را به جاسوسی، تفتیش عقاید، خیرچینی و برقراری جو اختناق و حرجه بیشتر تشویق می کند. زهی بیشتر می!

خمینی میگوید «حالا این حرفها در کار نیست، از قی فراوان، گران است البته، گرانی هست و شما متوقع... با شید که قطعی بشود، بجمدا لله خدا یقینا رک و تعالی منت بر ما گذاشته است و قحطی در کار نیست فراوان البته گران است... خمینی که اینگونه دم زکو خشتینان میزند هر آنچه از و کلاوزر» و ما حب نمیمان شید -

بقیه در صفحه ۱۶

و فریب هم مورد استفا ده قرار میگیرد، ولی اینها فقط در راه بدهی و وسیله اصلی یعنی عامل سرکوب مستقیم می توانند مؤثر افتند (با سبب فرصت طلبان - رفیق حمید مومنی) بطور مثال شاه منفور با وجودیکه تمام - وسایل تحمیق از راه دیو و تلویزیون و سینما تا آموزش و پرورش و چاپ و نشر کتب را - جهت بقای حکومت دیکتاتوری خویش بکار گرفته بود اما عامل اصلی و شکل عمده بقای حکومتش را عامل سرکوب مستقیم تشکیل میداد.

لازم به تذکر است که اعمال دیکتاتوری توسط دولت بورژوازی وابسته هنگامی شکل میگیرد که «بالائشیا میتوانند» حاکمیت خود را اعمال کنند اما در شرایط حاکمیت بحران درجا معده و در شرایط «و جیکسری مبارزات زنده» عورش قضاوت در «بالائشیا» زمانیکه دیگر «بالائشیا» قادر نیستند و یا حداقل بخوبی قادر نیستند دیکتاتوری - عربان خود را اعمال کنند این کشاکش بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب است که مرز آزادی های دیکراتیک را تغییر میدهد و تعیین می کند. مثلاً «او خور رژیم شاه منفور با بغا طسریا و رید بر اثر حاکم شدن بحران بسر جا معده و رده میا رزه طبقاتی رژیم حتی با بر سر کار آوردن جلادی چون آرها ریو با اعلام حکومت نظامی نیز قادر به اعمال دیکتاتوری

خود نبود و آنگاه سطح مبارزاتش توده ها بود که خود دیکراتیک حاکم بر جا معده را تعیین میکرد. اجتماعات دور و دراز و آواز بورژوازی حاکم شکل می گرفت، چاپ و نشر کتب و نشریات و وسعت میافت، نهاد های مبارزاتی توده ها چون شوراهای محلی، شوراهای کارخانه و... تشکیل گشت و... با دوسال گذشته در نظر بگیریم حاکمیت بورژوازی قادر به تشبیه خود نیست. در نتیجه فضای حاکم بر جا معده و جوسای موجود را کشاکش موجود بین انقلاب و ضد انقلاب تعیین میکند. اردوگاه ضد انقلاب در اثر هربورش که با زمانه و فوایق آمدن بر تضادهای درونی خود صورت میدهد. مقداری زدنست و رده های خلق را به تاراج میبرد و توده ها توسط هر طریقی شعری دستا وردهای جدیدی بدست می آورند و دستا وردهای خود را تشبیه میکنند، فروریزی توهم توده ها نسبت به حاکمیت خود عاملی در جهت تقویت صفوف انقلاب است به گسترش محیط دیکراتیک می انجامد و با زمانه و فوایق - گیری نهاد های سرکوب، یکپارچه تر شدن رژیم و فوایق آمدن بر تضادهای درونی محیط اختناق را تشدید می نماید.

بهر روی بطور کلی رسالت دیکراتیکه - کردن جا معده و حاکم نبودن دیکراتیک در جوامع سرمایه دار و وابسته بردوش پرولتاریاست. پرولتاریاست که قادر است با اعمال رهبری خود بر جنبش خلق و بدست گیری قدرت سیاسی و برقراری دیکتاتوری دیکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگران بر سالت را به انجام رساند. و این خود یکی از عمده ترین دلایل وجودی دیکراسی توده ای در این جوامع میباشد (در این مورد در قسمت های بعدی - مفصلتر صحبت خواهیم کرد) ادامه دارد.

در جوامع سرمایه دار و وابسته مسئله به شکل دیگری است. وابستگی این جوامع به امپریالیسم انجمن شرایطی را ایجاد میکند که روینا سیاسی دیکتاتوری تشکیل یک قاعده در این جوامع در میآید و دیکراسی بورژوازی در هر شکل دیکراتیک است و بنا بر شرایط ویژه - که در هر حالت مشخص قابل تحلیل است شکل نمیگیرد. عمده ترین دلایل این مسئله عبارتند از: ۱- در سیستم سرمایه داری وابسته شدت و میزان استثمار کارگران بسیار بالاست. سرمایه داری در صدمه لای سود به این جوامع سراسر میگردد و در نتیجه شدت و میزان استثمار بالاتر میطلبید. این استثمار روحشانه در وجه عمده توسط پاشین نگارها داشتن سطح دستمزد و بهره گیری از نیروی کار ارزان، نگهداشتن مبارزات و بپرداخت های اضافی در سطح - حداقل ممکن و... صورت می پذیرد. این شکل استثمار خود بخود نمیتواند وجود هر گونه نهاد مبارزاتی و یا شکل کارگری زحله سندیکا و اتحادیه و سازمان های دیکراتیک توده ای را حتی در حد کشورهای سرمایه داری با مطلق پیشرفته تحمل کند. و این روینای سیاسی دیکتاتوری است که قادر است چنین شرایطی را فراهم نماید.

۲- زحمت کشان و شهروندان و اقشار و طبقات دیگر خلق مورد غارت و جیا و لشدید امپریالیستی قرار دارند. بیرون کشیدن سوده های انحصاری آخرین قطرات ارزش - اضافی توزیع شده در جا معده را نیز میبلعد و از سوی دیگر انتقال وجه عمده ارزش اضافی حاصل به خاراچ زکهور وابسته (به کشورهای متروپول) امکان بالارفتن سطح رفاه اجتماعی را تشدید «کاهش میدهد» و تا بین خدمات عمومی را به حداقل خود میرساند.

۳- شکل گیری و رشد صنایع عمدتاً «بر سوه ای بطنی ترا زکنده شدن نیروی کار آزاد شده از روستا را طی میکند. و کلاً رشد محدود صنایع در این جوامع قادر به جذب در صدمه قابل توجهی از نیروی کار آزاد شده به بار نیست این مسئله به ایجاد تضاد وسیعی را خاشه نشینان شهری در اطراف شهرهای جوامع سرمایه داری

وابسته می انجامد که خود از دیکراتیک ترین و متحرک ترین اقشار اجتماع است. ۴- سیاستهای اقتصادی اعمال شده در سطح جا معده و حرکت سرمایه به راه در وجه عمده - نیاهای درونی جا معده، بلکه متناقض - سیاستهای امپریالیسم شکل میدهد. ۵- غارت و حشانه منابع طبیعی مواد اولیه امکان بیکارگیری بین مواد را جهت بالارفتن سطح تولید و سطح رفاه اجتماعی بشدت کاهش میدهد و...

حفظ و بقای چنین سیستمی در جوامع وابسته و توده های شکل از استثمار و غارت و انتقال در صدمه لای ارزش اضافی تولید شده به خاراچ معده، روینا سیاسی - دیکتاتوری عربیان را بعنوان مناسبترین شکل اعمال حاکمیت طلب میکند. در این جوامع عموماً «دیکراتیکه شدن محیط سبه سرعت کل سیستم را از سوی جنبش مبارزاتی خلق بزرگسوال میکند. البته «در این شرایط فرهنگ ارتجاعی و وسایل تحمیق

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند

در حاشیه نطق خمینی در تاریخ ۱۹ مرداد

بقیه از صفحه ۱۵

فرانوا بی و وفور نعمت بوده - که مسلما - در مورد آنان به همین کوتاه است - اما نمیتوانند درک کنند (یعنی نمی خواهند) روی خود ببینند (که فحطی در کمال وفور نعمت نیز ممکن است - آنگونه که اکنون هست - فرزندان زحمتکشان که در سراسر تابستان رنگ میوه را فقط در میوه ها می بینند، کارگران که عموماً "آبگوشته" را بدون گوشت با رمی نهند، نوره های زحمتکش شهری که در خانه ها شان از ازار زاری و خوار و بار خبری نیست، بیگاران که از شرم بیسی بولی چراغ تنگترین بر رخسار زرد رنگ پزیده فرزندان شان را اندازند میداندند که فحطی چیست؟ اما تو کوی این سخنان رسم بالایشهاست زیرا ملکه ماری آنتوانت نیز روزی که شنید مردم از نبودن نان در حال مرگند گفت "اگر نان نیست مردم - بیگویی بخورند که زبانت..."

اما بهر صورت خمینی در این نطق خود شاید هم بر حسب اتفاق - تشبیه ای کاملاً درست، بمورد و بیجا را بکار گرفت. خمینی میگویی "در یک کشوری میلیونی که همه انقلابی کرده ست میخواستند هیدچاپ را بسم هم در برود. این نمیشود همچین چیزی - انگلستان آن وضعش از ما بدتر است... آمریکا آن وضعش از ما بدتر است... آنجا همین کشته ها واقع میشود... این تعدادی که در زمان محمدرضا آن کشتار یک در زمان محمدرضا واقع شد که در یک روز بزرگ حساب آنطوری که گفتند ۱۵ هزار جمعیت شهید شد.

کسی حلاله چنین خبرهایی شده است. نه تنها آنها به بوق میزنند و آن عمل را چری هم در رسانه های خودشان میگویند... بلکه خمینی اینبار بدستوری رژیم خود را با سایر رژیمهای سرما به داری، با سایر کشتارگران و جلادان توده ها، با سرکوبگران مبارزات خلقها مقایسه میکند، و تنها افتخارش به اینست که کشتارها، اعدا میا، ترورها و سرکوبها به پای رژیم محمدرضا نرسیده است که بیشتر به نظر نگشته نفسی می آید) اما باید گفت در ازای ۱۷ شهیدورها، ۱۳ آبانها و... که توسط شاه جلاد فرید ه شد رژیم جمهوری اسلامی نیز کارنا همسا، ایندرفا شها، ترکمن صحراها، شهرک صنعتی البرزها، میدان فردوسیها و صدها جوان این کشتارهای فجیع فرید.

بهررو خمینی در نقطه ای قرار دارد که هر سخنی تنها و تنها به افشای بیشتر چهره و دخلقی او باری میرساند.

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

اطلاعیه امور مالی سازمان

در شرایط حساس و بحرانی کنونی سازمان در جهت پیشبرد وظائف انقلابی در قبال کارگران و زحمتکشان و پاسخوئی به خواسته های صمیمانه بیش از پیش نیاز مبرم به کمکهای مالی شما دارا از هر طریق که می توانید کمکهای مالی خود را همراه با کد مربوطه به دست سازمان برسانید.

الف	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۸۰۳۱	۷۲۳
ب	۲۰۲۳	۲۲۲۲	۸۰۳۱	۱۱۱۱
ج	۲۰۲۸	۱۵۱۱	۱۰۵۵۵	۵۰۰۱
د	۵۱۴۹	۱۵۱۰	۱۰۵۵۵	۴۰۰۰
هـ	۵۰۰۰	۹۱۹	۴۱۳۰	۱۵۸۴
و	۸۶۰	۲۰۲۲	۵۳۶۵	۱۰۰۱۴۷
ز	۵۰۰۱	۵۱۱۱	۵۳۶۴	۲۲۱۱
ح	۱۱۱۱	۳۰۰	۱۸۱۰	۲۲۱۲
ط	۲۰۱۹	۱۷۲۳	۱۵۲۲	۲۰۱۱۳
ث	۱۱۱۱	۴۲۲۲	۲۱۱۱	۱۵۲۲
ج	۵۰۰۰	۵۰۲۵	۱۵۵۱۹	۲۰۱۱۳
د	۳۱۲۱	۵۳۳۳	۶۳۱۵	۵۵۴۹
هـ	۱۰۰۰۰	۱۲۲۲	۲۲۰	۲۱۱۱
و	۱۹۲۱	۵۱۶۹	۲۲۸۲	۵۱۸۴
ز	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۵۶۸۴	۲۶۱۳
ح	۶۳۵	۲۲۷۷	۲۶۱۳	۲۸۶۵
ط	۱۰۶۰۰	۲۱۱۹	۲۲۷۷	۲۱۳۴
ث	۱۵۱۳۱	۳۰۰۶۸	۵۲۳۴	۳۰۲
ج	۲۱۱۰	۳۰۶۸	۵۶۸۴	۳۵۲۰
د	۱۰۱۱	۳۱۹	۵۶۸۴	۵۱۸۴
هـ	۹۹۹	۱۱۱۱	۵۳۰۲	۵۱۸۴
و	۲۸۱۱	۲۸۱۱	۱۵۱۳	۵۳۶۴
ز	۱۰۰۰۰	۱۱۲۰	۲۰۵۵	۱۱۲۰
ح	۵۰۰۰	۱۳۲۱	۱۰۰۶	۱۰۰۶
ط	۱۸۳۱	۳۰۰	۳۸۵۰	۳۸۵۰
ث	۱۰۰۱	۲۲۱۳	۳۰۰۰	۵۰۱۱
ج	۱۹۰۹	۱۰۱۸۰	۲۰۲۴۰	۱۶۶۹
د	۱۰۰۱	۲۲۵۰	۸۸۸	۱۴۲۲
هـ	۲۰۲۰	۷۷۴۳	۲۴۲۴	۷۰۰۱
و	۲۱۱۱	۲۰۱۸	۵۰۷۰	۵۰۷۰
ز	۲۰۱۱	۳۱۱۸	۴۰۰۱	۴۰۰۱
ح	۶۹۸۷	۱۰۰۰۱	۱۰۲۲۲	۷۲۲
ط	۱۵۰۰۵	۳۰۶۰	۵۱۳۰	۵۱۳۰
ث	۱۱۶۸۶	۱۰۰۱	۵۱۲۳	۱۰۰۱
ج	۵۱۳۴	۱۰۶۲۳	۵۵۵۵	۵۵۵۵
د	۱۵۵۵	۱۰۰۳	۱۶۲۵	۱۶۲۵
هـ	۱۰۲۳۱	۵۱۱۱	۱۱۰۰	۱۱۰۰
و	۲۱۱۱	۱۲۲۲	۵۳۸۱	۵۳۸۱
ز	۲۱۱۱	۱۲۲۲	۱۰۳۸۱	۱۰۳۸۱
ح	۸۲۱۲	۱۲۲۲	۵۳۸۱	۵۳۸۱

امانت شما رسید
رفیق یوسف ۹۷۰
مهدی ۶۶۴
حجت ۴۳۷
(۷ کوبین)
ه - ن
ح - ۱۲۲ (دو طرح)
سرایکار
رفیق ف (کوبین)
ی ۶۸۴ (بلیت) -
انوسوی

۶۱۱	ی	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۳۰۰	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۸۶۰	ع	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۴۴۴	و	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۱۰۰۰	ب	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۲۲۲	-	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۵۰۰۰	ح	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۳۰۰۰	الف	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۵۰	ش	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۵۰	د	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	رفقای گیلان	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۸۰۰	سعيد ۳۳۸ (کوبین)	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۳۰۰۰	رفقای غازیان	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	رفقای سباهکل	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	رفقای ناکستان	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	ع	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۳۰۰	ح	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۰۰۰	ب	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	م	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۰۰۰	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	بیشگا منظر آباد	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	رفقای قزوین	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۵۰۰	د	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۰۰۰	ع	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۷۱۶	ج	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۱۴۵	ز	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۱۴۵	د	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۱۲۳	ک	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۳۰۸۵	م	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۵۰۰	رفقای کرگان	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۸۳۳	ج	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	رفیق پرویز	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	رفقای کرگان -	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۵۱۱	(کوبین)	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۱۲۳	رفقای بلور	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۰۸۸	الف	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۲۷۰	ح	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۰۱۸	الف	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۰۱۷	م	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۵۲۳۴	دبیرستان دکترومحقق	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۲۵۰	ج	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۶۶۷۹	ب	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۲۳۳	ج	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۹۶۷	ب	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۲۳۳	ب	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۷۷۴	ف	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۰۰	ف	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۵۳۰	ر	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۸۸۰	ز	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۳۰۰۰	ف	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۱۰۳	ب	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۰۳۶	ع	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۶۰۰۰	د	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۱۳۰	ی	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۰۲۷	ط	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۳۰۰۰	ک	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۲۷	ق	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۵۲۸	ج	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن
۹۵۵	ب	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن	۲۴۴۴	ن



در تکثیر و توزیع آثار
سازمان بکوشید



سائتراليسم دموکراتیک

مقدمه :

در بی طرح بحث "سائتراليسم دموکراتیک" و چاب اولین مقاله از سئری مقالات آن (دموکراسی بدوی) و قطع آن در شماره های بعدی این تصویر برای آینده از رفقای پیش آمده بود که با حرفی بدون پشتوانه زده شده است و یا شاید با زمان بحکم ضرورت می بایستی به این انحراف (دموکراسی بدوی) برخورد می کرد و چون آن وجه سائتراليسم دموکراتیک را مختصراً "مورد انتقاد قرار داد، دیگر بقول معروف خرس از پیل گذشته است و نیازی به ادامه بحث نداشته است و به این دلیل انتقادات متعددی را به ما وارد دانستند.

اما واقعیت چیزی جز اینها بوده است. اولاً: "طرح اولیه مقاله تدوین شده بود و برای "فتح باب" بحث حول این مقوله در نشریات درونی چاب شد و معلماً تاکنون بسیاری از رفقا آن را مطالعه کرده اند. ثانیاً: "در بی فعال شدن بحث حول تهیه پلان فترت مبارزه و برداشتن به شعار مرحله بی "مرکز حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی، بیست بسوی تشکیل مجلس مؤسسان و لزوم ترویج آن، عمده قوادرفته های بعد صرف آن شد. سپس نیز با شروع درگیریهای خیابانی (۳۰ خرداد به بعد) و لزوم پاسخگویی به شرایط نوین و سازماندهی نوین توجه به این مسأله محط معطوف گردید. و با چنین منحول و بحرانی و عقب ماندگی چشمگیر ما - همه - بشیروان طبقه کارگر - از جنبش خودهای آدامه بحث حول مقوله "سائتراليسم دموکراتیک" در کار عملاً متوقف شد.

با این امید که با ردیکر حوادث و ال معمول کار ما را به هم نریزد بحث مجدد را از "کنگره" به مثابه عالیترین شکل تجلی اراده، نوده های سازمان پرولتری آغاز میکنیم، در مقدمه بایستی توضیح دهیم که چرا به مقوله "کنگره" پس از "دموکراسی بدوی" می پردازیم؟ و چرا از میان این همه مسأله متعدد، دو وجه متضاد "سائتراليسم دموکراتیک" این مطلب انتخاب شده است. همان طور که رفقا به خاطر دارند ما در آن مقاله گفته بودیم که مدت ها طول کشید تا در میان کارگران این تصور از بین برود که تمام کارها را باید تمام اعضا انجام دهند و همه با بدرباره همه مسائل نظر بدهند و همه تصمیم ها منگی به رای - مستقیم آنها باشد، و جای آن را از گذشته درست نهادهای نمایندگی و از جمله جلسات مجمع عمومی بکشد و با انتخاب نمایندگان و رهبران امر هدایت اتحاد - به های کارگری در فاصله بین دو مجمع بعهد - نمایندگان منتخب سیرده شود. به عبارت دیگر ما در آن مقاله بطور ضمنی در مقابل "دموکراسی بدوی" که به

مثابه، یک انحراف در اصول تشکیلاتی درک درست و علمی "نهادهای نمایندگی" را طرح نمودیم اما از آنجا که معتقدیم در یک مقاله با دیدک موضوع محوری انتخاب شود همان موضوع تا حد ممکن توضیح داده شود، در آن مقاله به این مسئله نپرداختیم اکنون وقت آن است که یکی از طرقی تا مین عالی ترین سطح دموکراسی درون تشکیلاتی را در یک سازمان پرولتری (حزب) توضیح دهیم.

کنگره

تجلی دموکراسی سازمانی

کنگره عالیترین ارگان حزب است که معمولاً "بفواصل معین" (مثلاً هر دو سال) برگزار می شود. بدین ترتیب که بدعوت کمیته مرکزی (که خود منتخب کنگره قبلی بوده است) و یا به تقاضای تعداد معینی از اعضا با کمیته های حزبی (مثلاً آنها) فرا خوانده می شود. اعضای شرکت کننده در کنگره نما یبند یا نمایندگان کمیته های مختلف حزبی میباشند که برای شرکت در کنگره انتخاب می شوند، تا ضمن بررسی عملکرد حزب و ارگانهای مرکزی آن در طول مدت معین (در جهت پیشبرد برنامه های تصویب شده در کنگره قبلی، گسترش بیوندنوده ای، شکل و سازماندهی نوده ها، ارتقاء سطح آگاهی آنها، ارتقاء تشکیلات، و بطور کلی پیشبرد امر مبارزه طبقاتی و حرکت در جهت تحقق آرمانهای پرولتری) نتایج و دستاوردهای مبارزاتی این مدت را جمع بندی کنند، و به صورت مصوبات کنگره به آنها قطعیت بخشد. کنگره زمانی رسمیت می یابد که تعداد معینی از کمیته های حزبی یا اعضا (مثلاً بیست از آنها) که در حین تشکیل کنگره وجود دارند، نما یبندگانشا نرایه آن کنگره فرستاده باشند. بعلاوه کمیته مرکزی می تواند در قبال رای که تشخیص می دهد حضورشان در کنگره ممکن است مفید باشد یا رای منورشی به آن دعوت کند تا هم تصمیمات کنگره بر نظریات نوده های هر چه بیشتری منگی باشد، و هم بحث ها و بررسی ها فعال تر و همه جا نبه تر باشد. کنگره به مثابه عالیترین شکل تجلی اراده نوده های تشکیلات دارای وظایف متعددی است. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تحکیم و تثبیت دستاوردهای جنبش خلق، جنبش طبقه کارگر و سازمان بیشتر پرولتری بصورت مصوبات کنگره. در مورد کنگره، اولیاً باید عبارتی کنگره - مؤسسان (که معمولاً با شرکت همه اعضا برگزار میشود) یا بدگفت که وظیفه آن ایستادگی و تعریسم هویت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی آن حزب است که در طی مبارزات اولیه اش طرح و تدوین

شده است (بر ما و اسانما) میپردازد و بان جریان هویت سازمانی و ایدئولوژیک بعنوان مثال کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه چنین کنگره ای بود و لنین در "یک گام به پیش دو گام به پس" درباره آن چنین میگوید: "وظیفه عمده کنگره (دوم) چه بود؟! بجا دیگر حزب واقعی بر طبق آن مبنای اصولی

و تشکیلاتی که "ایسکرا" طرح و تنظیم نموده بود. (مجموعه آثار صفحه ۱۵۱) دیگر اینکه کنگره ها به تحلیل اوضاع و احوال و ترسیم چشم اندازاتی می پردازد و وضع موجود و سیراتی (روند) اقتصادی و سیاسی (بویژه نقش حاکمیت، تضادهای درونی آن و نیز موقعیت و روند تحولی سازمانهای سیاسی غیر پرولتری و - پرولتری) را معین و بررسی می کند و سپس روش پرولتاریا را در قبال آن ها تعیین می نماید. بعلاوه به ارزیابی عملکرد سازمان از طریق بررسی تحلیلی - انتقادی گزارش کمیته مرکزی می پردازد و وضعیت و قدرتهای سازمان، مبنای سیاسی - ایدئولوژیک، تحلیلها، طرح تشکیلاتی و رهبران آن را روشن می نماید تا این خودتخته پرشی برای ارتقا توان مبارزاتی سازمان از طریق تصحیح اشتباهها و ضعفهای برنامه و نتایج کنگره سازمان و نیز رهبران گردد.

۲- تعیین ارگانهای عالی سازمانی (بعبارت دیگر تصویب اسانما به تصحیح و تکمیل اسانما قبلی در صورت نیاز) و انتخاب اعضای آنها. مثلاً در تجربه سوسیال دموکراسی روسیه انتخاب اعضای "کمیته مرکزی"، ارگان مرکزی "ایسکرا"، و "شورای حزبی" بعهد کنگره دوم حزب بود. در حالیکه در کنگره سوم "شورای حزبی" از اسانما حذف شد و در نتیجه انتخاب کمیته مرکزی بعهد کنگره سوم محول گردید.

در اینجا باید بدرون نکته فوق العاده مهم یاد آورده اسای مقوله مورد بحث تا کید بسیار کرد: "اولاً: کنگره (یعنی اراده نوده های تشکیلات) با انتخاب کمیته مرکزی اقتدار (اتوریت) و اختیارات خود را (یعنی مصوبات کنگره) را تا کنگره بعدی بان تفویض میکند و امر تحقق یاباده کردن مصوبات را بر عهده مرکزیت (یا ارگانهای مرکزی)، با آنطور که ما در مقدمه اشاره کردیم "ارگانهای نما یبندگی"، میگذارد تا با ابتکار خود آنها را اجرا و اجرا آورد. مسلم است که در صورت ناتوانی مرکزیت در ما بدست بخشیدن بدین مصوبات و یا در صورت منحرف شدن از خط و مشی تصویب شده در کنگره، این ارگان عالی در مو عهده مقرر (کنگره بعدی) یا حتی در اجلاس فوق العاده (بدعوت نوده های تشکیلات) اختیارات تفویض شده مرکزیت را با پس گیری دوبه منتخبین تازه سپارد. و این تجلی کامل وجه دموکراتیک این اصل اساسی سازمان پرولتری (سائتراليسم دموکراتیک) است.

ثانیاً: "کلیده مصوبات کنگره و انتخابات آن و کلیده تصمیمات کمیته مرکزی در چهار رچوب مصوبات به مثابه تصمیمات سازمانی تلقی میشود و تمام سازمانهای حزبی باید آنها را حتماً به اجرا در آورند. این تصمیمات از طرف هیچکس بهمچ بهانه بی نمی توانند نقض

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ارقام سخن می‌گویند:

بقیه از صفحه ۲۰

تحریم کرده و دست رد بسینه رژیم جمهوری اسلامی زده‌اند.

این یک اصل انکارناپذیر است که شهرهای بزرگ در تمام جنبشها و انقلابات در تمام جهان نقش بسیار بااهمیتی داشته‌اند. ما خودشا هدیو ده ایم که مبارزات مردم‌شهرهای تهران، تبریز و... در قیام علیه رژیم شاه و سرنوشتی آن قدر موثر بودند. تاریخ نشان داده است در انقلابات فرانسه، روسیه و... شهرهای باریک مسکو... نقش سرنوشت‌ساز ایفا کرده‌اند. لنین در رابطه با اهمیت شهرهای بزرگ در سرنوشت انقلاب در مقاله مجلس مؤسسان و انقلاب پرولتاری چنین مینویسد: "شهرهای بزرگ یا بطور کلی مراکز بزرگ تجاری و صنعتی تا حد بسیار قابل توجهی سرنوشت سیاسی ملت را تعیین میکنند. البته با این شرط که این مراکز توسط نیروهای بسنده محلی و روستائی حمایت شوند، حتی اگر این حمایت‌ها بلاواسطه بعمل نیاید."

حال با این مقدمه به بررسی نتایج انتخابات تهران می‌پردازیم:

فصلاً اینرا بگوئیم که جمعیت شهر تهران حدود هفت میلیون است (هرچند با مهاجرت وسیع جنگزدگان و غیره این جمعیت با بدیشتر هم شده باشد) و از این عده جمعیت بازنده ساله به بالا که حقوق رای داشته‌اند حدود ۶۵ درصد را تشکیل میدهند که جمعیتی معادل ۴/۵ میلیون را شامل میشوند. حال بگذریم که هیئت نظارت مکتبی و منبهد "انتخابات کاری به سن شناسنامه نداشته‌اند و از کودکان شیرخواره هم درگیر نکردند و بگذریم که گزارشگران ما گزارش داده‌اند که چه بسا رزودگان ۷-۸ ساله یا در دست داشتن شناسنامه در جلوی حوزه رای‌گیری دیده شده‌اند که همراه والدین خود رای هم داده‌اند. البته این امر تصحیحی ندارد زیرا وقتی در جمهوری اسلامی نوجوانان دوازده سیزده ساله میتوانند اعدام شوند چرا کودکان ۵-۶ ساله نتوانند رای دهند؟! و بگذریم که برای هیئت نظارت شرکت حضوری افراد در حوزه‌ها مطرح نبود آنها تنها با "شناسنامه" کار داشتند! بهر حال نتایجی که رژیم برای انتخابات شهر تهران اعلام کرده بشرح زیر است:

تعداد رای از صندوق بیرون آمده ۲/۱۰۵۴۸۸ آراء، رای‌های ۱/۶۹۲۸۲۳ - آراء، سه‌گانندیدای دیگر ۲۸۹۵۱۷ آراء، باطله ۱۲۱۱۲۲ جمع آراء غیر از رای‌های ۴۱۰۶۳۹

آراء رای‌شده قبل از مهر و موم به صندوق - هزار ریخته، آراء قلابی که با شناسنامه‌های مردگان و کودکان، آراء تکراری و غیره که همه بنا بر رای‌های انداخته شده بگذریم بنظر ما بقیه آراء از طرف گروه‌های زیر به صندوق‌ها ریخته شده است:

- ۱- کسانی که هوادار حزب جمهوری اسلامی هستند، یعنی تجار بزرگ و متوسط بازاری و بنسبه به حزب و خانواده‌ها با نشان بخشی از خرده بورژوازی سنتی که با ذهنیت شدید مذهبی هستند، پاسداران و خانواده‌ها با نشان، اقلتاری از زمین پرولتاریا و خانواده‌ها با نشان که اینها با رخا و رغبت به رجائی رای داده‌اند.
- ۲- کسانی که تحت تاثیر تبلیغات شدید رادپوولتویزیون و فتاوی آیت‌الله‌ها

و اما جمعه‌ها و روزی اعتقادات مذهبی و اینک رای دادن تکلیف شرعی است - کورگورانه به رجائی رای داده‌اند که در صورت نبود چنین فضای اجبار مذهبی با توجه به بی‌اعتمادی به نهاد های جمهوری اسلامی و تجربه گذشته ترجیح میدادند در انتخابات دخالتی نکنند.

۳- کسانی مثل ارتشیان و خانواده‌ها - شان، پرسنل شهرهای و ژاندارمری و خانواده‌ها تا نوعی کارمندان و کارگران که با اخبار سیاسی صندوق رای گشاده - شده و مجبور بودند به رجائی رای دهند.

۴- کسانی که تحت تاثیر تبلیغات و شایعات مبنی بر اینکه اگر رای ندهند چنین و چنان میشوند خلاصه برای خوردن مهر در شناسنامه و آرزوی ترس و اعراب سیاسی صندوق‌ها ریخته و ورقه رای بدون صندوق انداخته و شناسنامه‌شان را مهر کرده‌اند. این عده به گروه‌های زیر تقسیم میشوند:

الف - کسانی که تحت تاثیر آنگنان - بوده که کلاً "تسلیم اعراب رژیم شده و نه تنها بیای صندوق ریخته‌اند بلکه جرئت نکرده‌اند از خواست رژیم تخطی کنند. بنا بر این به رجائی رای داده‌اند. چون در بسیاری از حوزه‌ها - بخصوص در تهران - مشخصاً "از افراد میخواستند به رجائی رای دهند و اگر فردی میخواست کسی دیگری را بنویسد از او با زخواست میگردند. علاوه بر آن افرادی که در محلات خود رای میدادند و میخواستند در مقابل هیئت نظارت از افراد در شناسنامه محلی بودند موضع مخالف بگیرند علیرغم تمایل خود به رجائی رای میدادند.

ب - کسانی که کمتر مرعوب تبلیغات و شایعات شده، ضمن دادن رای برای خوردن مهر در شناسنامه میخواستند کلاً "به خواست رژیم تن ندهند. آنها چون میدانستند که نندیدای دیگر هیچکدام شانس انتخاب شدن را ندارند و در عین حال چون تعرفه‌های تهران شماره داشته که با شماره مشخصات آنها که از روی شناسنامه مینویسند یکی بوده، بنا بر این می‌ترسیدند که اگر رای باطله بنویسند ممکن است بعداً "برایشان درد سر شود لذا برای ابراز مخالفت با رجائی که کاندیدای حکومت بود، یکی از کاندیدای‌ها که نرا نوشته‌اند، و گرنه اگر به جمهوری اسلامی سر می‌دادند آن اعتقاد داشتند از آنجا که همه حجتی است که کاندیدای دیگر خود گفته بودند - ما به رجائی رای میدادیم بنا بر این آنها هم باید به رجائی رای میدادند. زیرا کاندیدای‌ها که گانه حجتی برای خودشان تبلیغ هم نکردند. بنا بر این مسلم است کسانی که به کاندیدای دیگر رای داده‌اند از یک طرف مهر در شناسنامه را میخواستند و از طرف دیگر میخواستند به رجائی هم رای ندهند و در عین حال بخاطر جویبسی و اختتامی حوزه‌ها، شماره‌ها را بدون تعرفه‌ها و ترس از عواقب آن شهادت نوشتن رای باطله را داشتند. پس با اعتقاد ما جمع آراء - به تفصیل - کاندیدای یعنی ۲۸۹۵۱۷ رای را باید به حساب مخالفین و تحریم کنندگان گذاشت.

ج - کسانی که بخاطر خوردن مهر در شناسنامه و ایمنی از عفویت نداشتن مهر سیاسی صندوق رفتند ولی شهادتشان از دسترسه پیش بیشتر بود ملاحظاتی فکری را نکردند. اینان در تعرفه‌های اساسی افرادی غیر از چهارگانندیدای کلمات و جملات توهین آمیز به حکومت را نوشته و یا اصلاً رای سفید انداخته‌اند که مجموع این آراء ۱۲۱۱۲۲ رای بوده است.

با این ترتیب با یک حساب سرانگشتی ما در انتخابات زیاد است جمهوری در تهران یک رقم بیش از چهار صد هزار داریم که متعلق به کسانی است که بیای صندوق ریخته و به رجائی رای مخالف داده‌اند. جمهوری اسلامی رای مخالف داده‌اند. از آراء اعلام شده میماند یک میلیون و شصت هزار رای که بنا بر رای از صندوق بیرون آورده شده که عبارتند از: آراء - گروه‌های ۲ و ۳ و الف از ۴ یعنی کسانی که آراء را تا آگاهی و تحت تاثیر تبلیغات مراجع تقلید و ترس از عدول از تکلیف شرعی، آراء رایگان از روی اجبار شغلی و آراء رایگان برای خوردن مهر در شناسنامه کلاً "تسلیم اعراب رژیم شده و به رجائی رای داده‌اند. علاوه - آراء قلابی که از ابتدا یا بعداً "بیرون صندوق‌ها ریخته‌اند، آراء رای که صرفاً با آراء رای‌شده‌ها ریخته شده و با آراء رای که با آراء رای‌شده‌ها ریخته شده و با آراء رای که با آراء رای‌شده‌ها ریخته شده - مجموع این آراء بیش از یک میلیون رای خواهد بود. بنا بر این بحرث می‌توان گفت که تعداد آراء - واقعی که به رجائی در تهران داده شده -

بیش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر رسیده است. این رقم در مقابل جمعیت و بعداً اریب رای یعنی ۴/۵ میلیون فقط ۱۳ درصد می‌باشد.

با این وضع تقریباً ۴ میلیون نفر از کسانی که واجد شرایط رای دادن - بوده‌اند عملاً "به جمهوری اسلامی رای - کیبوده‌اند. این متنی است از خروار وقت و حتی سرنوشت ساز در جنبشها و انقلابات گذشته داشته‌اند و با تحریم عملی انتخابات ریاست جمهوری مهر باطله بر آن میزنند آیا با از هم جدا گاه می‌تواند با وقاحت ادعا کند که رئیس جمهور منتخب مسردم است؟! آیا هنوز به رجائی و سایر سرمداران رژیم جمهوری اسلامی حاکمیت خود را امتگی بر نوده‌های آگاه و همیشه در صحنه میداند؟!!

آزاده کنید، باخیزید!

بقیه از صفحه ۲

رفقای کارگر پیشرو با اهمیت آزادیهای سیاسی را برای طبقه کارگر، بنوده‌های کارگر خا طرفشان سازند و آنها را مدافع از حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی فراخوانند، از شوراهای انقلابی در سرانگشتی دفاع کنند و سرخسنانها را انجمن‌های اسلامی این زواید حزب جمهوری اسلامی، این نهاد های ضد کارگری، سرکوب و اختناق مبارزه کنند. رفقای کارگر! دست بدست هم دهید، باخیزید، مبارزه خود را تشدید کنید و بوزه رژیم جمهوری اسلامی را خاک نمالید. رفقای کارگر بپوش با شید! اکنون لحظات سرنوشت ساز و تعیین کننده‌ای را از سر می‌گذرانیم، سرنوشت انقلاب در دستان نیرو مند شماست. در بیست و بیست و نوه‌ها قرار گیرید و بر جملات ریشخندان مبارزه در راه ندانید و پیروزی انقلاب خدا مبریا لیستی - دموکراتیک خلقهای ایران باشد.

آزاده کنید! باخیزید! هر کارخانه را بدو سخرینا بدیدر مبارزه کارگران علیه رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی تبدیل کنید و با پیروزی نهائی از برای تشنید، پیروزی از آن کارگران و بنوده‌های زحمتکش و نکست سرنوشت محتوم مرتجعین است. زنده باد طبقه کارگر قهرمان ایران، مرکز رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی - جمهوری اسلامی



از کانون نویسندگان ایران بدلیل
محدودیت صفحات و عدم امکان چاپ تمام
مطالب بپوش می‌طلبیم

بخشی از اعلامیه کانون نویسندگان ایران

خطاب به مردم قهرمان ایران

..... اکنون سایه شوم دسته‌های
جاقوکان و اوباشان و قداره‌بندان تحت
حمایت رژیم ۳ بدستان حکومتی بر سرنا سر
خاک خونین میهن ما بیش از پیش گسترش
می‌یابد. حکومت که خود را قیم مردم
میداند، همچون سپاه مغول دستا وردهای
قباح خونبار ما را به تاراج می‌برد.
آنها زیر نام مستضعفان جیب
مستکبران را برمی‌کنند، زیر نام دین،
مسلمانان انقلابی را به جوخه اعدام
می‌سپارند، زیر نام خلق، خلقها را قتل عام
می‌کنند، زیر نام مبارزه با امپریالیسم،
مبارزان انقلابی و ضدامپریالیست را
شیربازان می‌کنند، زیر نام استقلال،
بایستن قراردادهای اسارت آور، -
وابستگی را تشدید می‌کنند، زیر نام آزادی
آزادی خواهان را به خاک و خون می‌کنند.
در یک کلام زیر نام انقلاب، با تمام توان
کمر به نابودی انقلاب بسته‌اند.
زحمتکشان و روشنفکران جهان
مردم قهرمان ایران
این خون بهترین فرزندان خلق
است که از جنگال رژیم می‌چکد. نگذاریم
یک حکومت قرون وسطایی مبتنی بر
تحقیر توده‌ها سر نیزه‌اش را بیش از این
در دل مردم فرو کند. باید برای آفای
جانیات هولناک رژیم جمهوری اسلامی با
تمام قوا بکوشیم. این فریاد مردمی است
که می‌خواهد توجه همه، جدا نهایی بیدار
جهان را به سلسله جیب‌کننده رژیم
جمهوری اسلامی بیاگرداند.
کانون نویسندگان ایران برابر
مشور خود موظف است از همه آزادی‌طلبان
دموکراتیک دفاع کند و در مقابل تجاوز
به آن قاطعانه بایستد. کانون نویسندگان
ایران نمی‌تواند نسبت به این سفاکیها
و آزادی‌کشی‌ها بی‌اعتنا بماند. ما از
مردم و نیروها و گروه‌های انقلابی داخل
کشور و از همه مردم آزاد جهان و روشنفکران
ترقیخواه، از همه سازمانهای انقلابی
میخواهیم که صدای اعتراض خود را بر علیه
ستمی که بر مردم ما می‌رود همچون دوران
سپاه علییه دیکتاتور شاه بلیند کنند و
با آفای جانیات رژیم، سدی بلیند کنند
و تجاوزات آن ایجاد کنند. اکنون جان
هزاران زندانی انقلابی میهن ما در
خطراست. برای حفظ جان فرزندان
انقلابی خلق از هر راهی که می‌توانیم
تلاش کنیم.

زننده یاد آزادی
کانون نویسندگان ایران

۶۰/۵/۸



این نعره من است
این نعره من است که روی فلات می‌بجود
و خاکهای سکوت زمانه تاریک را می‌شوید
و با هزاران مشت گران
بر آبهای عمان می‌کوبد
این نعره من است که می‌رود
خاکستر زمان را از خشم روزگار
ای گلشن ستاره دنباله دار اعدای
درباغ ارغوان
درازدحام خلق
در دوردست و نزدیک
من هیچ نیستم
جز آن حماسه‌ای که در زمینه یک انقلاب
می‌گذرد
سهم و سترگ و خوسین
در خون توده‌های زمان می‌غلظد
تا مثل خار سپینک و درشتی
روشنه بر قلعه‌های گل سرخ
آینده را
بماند
در چشم روزگار
با داور شهادت شوریدگان خلق
بر ارتش مهاجم این نازی
این سزار
سعید سلطانیپور

قسمتی از پیام کانون نویسندگان ایران به هنرمندان و اهل قلم

خود همه شمارا مخاطب قرار داده‌ام
نقش و مسئولیتی را که در این لحظات
حساس در برابر تاریخ و مردم بر عهده
دارید یادآوری کند. اکنون آنچه در
برابر ملت ستمدیده و مبارز ما قرار دارد
چشم انداز هولناکی از خون و آتش، قهر و
سرکوب و ترور و خفقان است. هر چند
تشخیص آنچه در فراسوی این چشم انداز
می‌گذرد کار آسانی نیست، اما آن که
به بیروزی نهایی حقیقت و خرد سردروغ
و جهل و رهایی قطعی توده‌ها از ستم و
زور ایمن دارند، از حضور دستخیز خود
در این کشاکش تاریخی و دیرینه
خطرات و دشواری‌های آن باکی ندارند.
در عین حال این بزنگاه تاریخی فرصتی
بدست می‌دهد تا دربر توحقایقی که به یمن
خون‌های پاک شما رفته در راه بیداری
و بهروزی خلق همچون آفتاب درخنده
از پس ابرهای فریب و تزویر آشکار شده -
اندر بهای زنجیر کردارها و پنداره‌های
خود بریزیم. پرده کوردلی‌ها و جزم -
اندیشی‌ها را از هم بدریم و با نگاه راستین -
خوبش را در این هنگامه نبره‌مان ظلمت
و نور دریا بیم و صمیمانه در صف خلق قرار
گیریم. در برابر آنچه اکنون سرزمین
ستمدیده، ما می‌گذرد، دیگر سکوت، ممانعت
جایز نیست و هیچ غازه، توجیه‌گرانه‌ای
نمی‌تواند چهره بلیبدنیات ضد بشری
و ضد مردمی را تزیین و با توجه گران
ممانعت گروه دست با قدرت را در پیشگاه
تاریخ و داوری خلق شریک کند. فردا
که پیشگاه حقیقت شود دید "هر یک از ما"
فقط با کارنامه اعمال خود در برابر
خلق حاضر خواهیم شد.

..... از دو ماه پیش تاکنون کسه
ارتجاع افسار گسیخته با کنا رگدان
نیمه ملاحظیات و روبره کاری‌ها، با زیر پا
نهاده همه تعهدات و وعده‌هایی که در
پیشگاه مردم عنوان کرده بود، بدون -
توجه به حضور دشمن خارجی در بخش مهمی
از خاک میهن و آوارگی وی سر و سامانی
میلیون‌ها نگران میهن ما، بی‌ورش
سراسری خود را برای از میان برداشتن
همه دستا وردهای جنیش انقلابی و
نابود کردن همه عناصر آگاه، مترقی
و انقلابی ایران آغاز کرده است با زهم
شاد سکوت، ممانعت و حتی همدلی
و همدستی با ارتجاع از سوی بسیاری از
با صلاح هنرمندان، نویسندگان و اهل
قلم هستیم که گوئی رسالتی جز سازش با
قدرت حاکم و توجیه هر نوع بیدادگری
بر خلق و با حداقل سکوت در برابر آن
برای خود نمی‌شناسند. طرفه اینجاست
که این سرسپردگان قدرت به جای اعتراض
به اعدام جوانان انقلابی اختلاف عقیده
خود را با این فرزندان دلیر خلق به رخ
مردم می‌کشند و با پلوسانه‌ها حاکم شرع
میخواهند که لطف فرموده و دلایل اعدام
آن را اعلام کنند.
هنرمندان، نویسندگان، شاعران،
روزنامه‌نگاران و کارگزاران مطبوعات
ورسایه‌های همگانی!
در این شرایط دشوار و بحرانی، کانون
نویسندگان ایران، بی‌شائبه‌اگرانی که
سالیهاست منادی و مدافع خواست‌ها و
نظریات اهل قلم در زمینه آزادی بیان
و اندیشه بوده، با توجه به خطرات عظیمی
که اکنون همه آزادی‌های فردی و اجتماعی
را تهدید می‌کند، وظیفه مبرم خود می‌داند
که ضمن تجدید عهد بر اصول و هدف‌های

۶۰/۵/۸
کانون نویسندگان ایران

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند



بمب اندازی کمیته چپ ها بسوی مامورین شهربانی

رژیم های ارتجاعی هرگاه حیات خود را پایان یافته می بینند برای اینکه چندصاحبی در مسند قدرت بمانند دست به کشتار و جنایت و سرکوب و ابحساد و عیب و وحشت میزنند تا بحال خام خود جلورشد مبارزات توده ها را بکینند و آنها را از بیان اعتراضات و ناراضی های خود با زدارند. رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون هر رژیم ارتجاعی و جنایتکار دیگری برای تثبیت قدرت خود به هر شیوه ای متوسل میشود و سعی میکند از تمام راه های ممکن به توهیم توده ها در آن زده و آنها را نسبت به نیروهای سیاسی بدبین کند.

از شیوه های معمول این جنایتکاران مخدوش کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب است. بعد از ظهر جمعه شانزدهم مرداد ماه یک وانت با رقرمز رنگ با سه سرنشین در حالیکه با سرعت از مقابل وزارت کشور می گذشت قصد داشت یک بمب صوتی را بطرف ما مورین شهربانی نکهدان وزارتخانه برتاب کند اما بر اثر سرعت زیاد و وجود دست انداز، بمب بوسیله خیابان افتاد و با صدای زیادی منفجر شد. مردم بوسیله خیابان ریختند، یک پلیس شروع به تیراندازی کرد و در همین

حین یک اتومبیل کشتی پلیس که بمحل رسیده بود توانست وانت با رقرمز متوقف کند. ما مورین سرنشینان وانت را پیاده کرده و ضمن کتک زدن آنها، سه بار زرسی بدنی آنها برداختند.

و کارت کمیته و سیاه یا بیداران از حبس آنها درآوردند. ما مورین که کارت ها را پیدا کرده بود آنها را به مردم نشان می داد. در همین حین یک اتومبیل حامل بیداران رسید و با صدای بدون مقدمه به دستگیر شدن جمله کرد و آنها را زیر ضرب گرفت. اما یکی از آنها گفت "برادر! چرا می زنی، منم کمیته ای هستم!" یا بیدار متوجه شد و بلافاصله سعی کرد در سه نفر را از دست ما مورین شهربانی بیرون بیاورد اما ما مورین مقاومت می کردند و سرانجام نیز آنها را با خود به کلانتری بردند.

این حادثه تعدادی از مردم ناآگاه را تعجب زده کرده بود و می گفتند اینها که دارند کارهای ساواکی ها را می کنند! ساواکی ها هم همه جا آتش میزدند و میکشند چرا بیکارها کردند! موردی از میان جمعیت در جواب این حرف گفت: "مگر فرقی دارند".

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک ۳

شماره ۱۸

گزارشی از زندان اوین

سه مانند شاید که بعطت گرمای زیاد کمتر بداند تا بیا بیدار بختار ما موران زندان و بیداران سرما به آنقدر خشن و وحشیانه است که روی زندانیان شاه را سفید کرده است. مدام مادران را سرگردان می کنند و برای تحویل لباس یا دارو برای زندانی و عده روز بعد را میدهند اما در روز موعود از دریافت آن خودداری می نمایند و سعی دارند این احساس را پدید آورند که زندانی با اعدام شده و یا به زندان دیگری منتقل گردیده است و بر تشویش و نگرانی مادرانی که جگر گوشه شان را پس از سالها رنج و زحمت بشمر رسیده اند می افزایند و اگر پس از بارها و بارها مراجعات مکرر موفق به ملاقات شوند با فرزندانشان و نگنجه شده خود مواجه می شوند. این فرزندان انقلابی خلق علاوه بر اینکه خود تحت شدیدترین شکنجه ها تا مللای، سوزاندن بدن و... هستند هر لحظه تا هدا اعدام یا برهم زدن خود نیز می باشند. اما دیری نخواهد پاید که مادران و سایر بستگان انقلابیون بهمراه خلق زندان اوین درهای این کشتارگاه را بکشند و اوین را بسوی کورستان رژیم جمهوری اسلامی و عملش بدل سازند.

روزشنبه ۱۷ مرداد ماه بود، طبق معمول خانواده های زندانیان جمیع بودند و همه با نگرانی به روزنامه جمهوری اسلامی خیره شده بودند زیرا اساسی اعدام شدگان را نوشته بود. ۴ نفر از مادران - اساسی فرزندان را در لیست اعدام شدگان یا یافتند. از شدت تا شو و بیخوابی شوک عصبی ناشی از گذشته شدن فرزندان انقلابیشان بحالت بیهوشی افتادند و ما بر مادران با حالتی بهت زده و جسمانی نگران به مادران داغ دیده خیره شده بودند. یکی از شهدا که در دادگاه قتلش بر شک بیمارستان سینا بود که بعطت مداوی مجروحان در کبیری ۳۰ خرداد تیرباران شد و تنها جرم او اجسرای وظایف انسانی یک پزشک مسئول و معهد بود از خرد رژیم جمهوری اسلامی نسیم کش را بیدار می کش کرد و جرم او این بود که نسیم کش را امداد کرده بود. پس از اینکه مادران شهدا را با سر مادران همراهی کردند برای کسب خبر از فرزندان دستگیر شده خود و ملاقات با آنان در - قاضیه متری مقابل زندان جمیع شدند چرا که از دو هفته پیش حتی مادران حق ندارند زیرا بیان مقابل گیشیه صف بکشند و حتما "با بیدار آفتاب داغ -

دریافت پول تیر نهایت بی شرمی و وقاحت رژیم

خانواده های شهدا که میخواهند از محل دفن فرزندان انقلابی خود با خبر باشند، سعی می دهند که تشییع جنازه نداشته باشند اما هنگامی که میخواهند جنازه ها را به قبرستان ببرند با استقبال و شرکت وسیع مردم روبرو می شوند. حدود سه الی چهار هزار نفر بیست جنازه ها راه می رفتند و با شعارهای انقلابی، نفرت و کینه خود را بیان میکردند. مردم اجساد انقلابیون را تا قبرستان شایعت کرده و به خاک سپردند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، چندی پیش بدنبال اعدام ما مجاهد در فومنات به خانواده های آنها می گویند اجساد را تحویل می دهند بشرطی که هیچ تشییع جنازه ای صورت نگیرد! علاوه بر این ما از هر خانواده می خواهند که پنج هزار تومان با بی پول تیر بدهند! (مزدوران جنایتکار رژیم شاه نیز با همین وقاحت و بی شرمی در ازای تحویل اجساد - انقلابیون اعدام شده، از خانواده های آنها پول تیر می گرفتند!)

ارقام سخن می گویند:

بررسی آماری نتایج انتخابات ریاست جمهوری در تهران سند دیگری بر رسوائی انتخابات و تحریم قطعی توده ها

بررسی نشان خواهد داد که مردم آگاه و مبارز تهران که تحت تاثیر شرایط سیاسی - اجتماعی، موقعیت طبقه کارگر و... از آگاهی و روحیه مبارزاتی بیشتری برخوردارند، این انتخابات فرمایشی، رسوا و زورگویی را بشکل قاطعی شایع در صفحه ۱۸

انتخابات مفتضح و رسوائی ریاست جمهوری و عدم استقبال مردم و تحریم عملی آن، در مغاللات دیگری مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله ما از روی ارقام منتشره توسط دولت به بررسی نحوه شرکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در تهران می پردازیم. این -

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد